



عنوان گزارش:

تحلیل نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن

سال ۱۳۹۵

رشد
اقتصادی

توزیع درآمد

تورم

بیکاری

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شناسه گزارش

عنوان گزارش:	تحلیل نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵
پدیده آورنده:	سازمان برنامه و بودجه کشور - معاونت امور اقتصادی و هماهنگی برنامه و بوجه
تهیه و تنظیم:	امور اقتصاد کلان
همکار تهیه کنندگان:	لادن نوروزی
واژگان کلیدی:	
تاریخ انتشار:	آبان ماه ۱۳۹۶
سرفصل موضوعی:	
شماره گزارش:	۴۱-۶
تعداد صفحات گزارش:	۶۰ص
کلید حقوق معنوی این گزارش متعلق به معاونت هماهنگی برنامه و بودجه (امور اقتصاد کلان) است و با ذکر ماخذ بلامانع می‌باشد. لازم به ذکر است این گزارش الزاماً نظر سازمان برنامه و بودجه کشور نبوده و صرفاً نظر امور اقتصاد کلان را منعکس می‌کند.	

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۳	مقدمه.....
۴	حجم و نرخ رشد جمعیت.....
۵	ساختار سنی جمعیت.....
۱۰	بررسی سازگاری نتایج سرشماری با استفاده از نسبت بازماندگی و آمار ثبتی.....
۱۳	مقایسه نرخ رشد جمعیت استانها.....
۱۷	بعد خانوار.....
۲۰	سرپرست خانوار.....
۲۲	شهرنشینی.....
۲۴	ترکیب سنی و جنسی جمعیت در شهر و روستا.....
۲۸	وضع زناشویی.....
۲۹	روند تغییر درصد افراد ۲۰-۳۹ ساله هرگز ازدواج نکرده.....
۳۵	عدم تعادل جنسیتی در جمعیت واقع در سنین ازدواج (مضيقه ازدواج).....
۳۷	روند تغییر میانگین سن اولین ازدواج (روش هاینال).....
۴۰	روند تغییر تعداد مردان و زنان دارای همسر و بدون همسر بر اثر طلاق یا فوت.....
۴۱	روند تغییرات نرخ باسوادی در جمعیت ۶ ساله و بیشتر.....
۴۳	سطح تحصیلات.....
۴۴	روند تحولات مهاجرت.....
۴۸	مقایسه استانها از بعد خالص مهاجرت.....
۵۲	وضع سکونت.....
۵۴	جمع بندی.....
۶۰	فهرست منابع.....

مقدمه

از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵، سرشماری عمومی نفوس و مسکن در ایران به موجب قانون هر ده سال یکبار اجرا شده است. نخستین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۳۵ به وسیله اداره آمار عمومی و سرشماری‌های بعدی به وسیله مرکز آمار ایران انجام شد. در سال ۱۳۸۶ براساس مصوبه هیئت وزیران فاصله زمانی اجرای سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن از ده سال به ۵ سال کاهش یافت. آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در آبان ماه سال ۱۳۹۵ در سراسر کشور به اجرا درآمد.

هدف این گزارش ارزیابی دقت و تحلیل نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ و بررسی روند تحولات جمعیتی به خصوص در سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۹۰ است. این گزارش به بررسی و تحلیل ویژگی‌های زیر می‌پردازد: حجم و نرخ رشد جمعیت، ساختار سنی جمعیت، بررسی سازگاری نتایج سرشماری با استفاده از نسبت بازماندگی و آمار ثبتی، مقایسه نرخ رشد جمعیت استان‌ها، بعد خانوار، سرپرست خانوار، شهرنشینی، ترکیب سنی جمعیت در شهر و روستا، نسبت جنسی جمعیت در شهر و روستا، وضع زناشویی، روند تغییر درصد افراد ۳۹-۲۰ ساله هرگز ازدواج نکرده، عدم تعادل جنسیتی در جمعیت واقع در سن ازدواج (مضیقه ازدواج)، روند تغییر میانگین سن در اولین ازدواج (روش هاینال)، روند تغییر تعداد مردان و زنان دارای همسر و بدون همسر بر اثر فوت یا طلاق، روند تغییرات نرخ باسوادی در جمعیت ۶ ساله و بیشتر، سطح تحصیلات، روند تحولات مهاجرت، مقایسه استانها از بعد خالص مهاجرت، وضع سکونت و در انتها نیز جمع بندی از نتایج آورده شده است.

بر اساس اعلام مرکز آمار ایران، از شرایط اجرای سرشماری سال ۱۳۹۵ می‌توان به موارد مهم ذیل اشاره نمود: افزایش عدم همکاری، افزایش خانوارهای غایب (زوج شاغل)، افزایش خانوارهای یک نفره، افزایش خانوارهای دارای دو اقامتگاه

یکی از شاخص‌های مهم جمعیتی، باروری است. ولی هنوز نتایج سرشماری در خصوص این شاخص منتشر نشده و جای این بخش در گزارش خالی است که در گزارش بعدی به این موضوع پرداخته خواهد شد.

حجم و نرخ رشد جمعیت

براساس نتایج آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، جمعیت کشور از حدود ۷۵.۱۵ میلیون نفر در سال ۱۳۹۰ به ۷۹.۹۳ میلیون نفر در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است. در دوره ۵ ساله ۹۰-۱۳۸۵، متوسط نرخ رشد سالانه جمعیت ۱.۲۹ درصد بوده است. متوسط نرخ رشد سالانه جمعیت در دوره ۹۵-۱۳۹۰ به ۱.۲۴ درصد رسیده است، که نسبت به دوره ۵ ساله قبلی اندکی کاهش نشان می دهد. افزایش مطلق جمعیت در دوره ۵ ساله اخیر ۴.۷۸ میلیون نفر و متوسط افزایش سالانه جمعیت ۹۵۵۳۲۰ نفر بوده است.

افزایش جمعیت بین دو سرشماری اخیر (۴.۸ میلیون نفر) با حجم رشد طبیعی جمعیت که از تفاضل موالید و مرگ و میرهای ثبت شده توسط سازمان ثبت احوال در این دوره ۵ سال به دست می آید (۵۶ میلیون نفر)، همخوانی نداشته و حدود ۸۰۰ هزار نفر تفاوت دارد. به عبارت دیگر افزایش جمعیت بین دو سرشماری، ۱۷ درصد کمتر از افزایش حجم جمعیت در آمار ثبتی دیده می شود. در دوره ۹۵-۱۳۹۰ افزایش جمعیت به دست آمده از طریق این دو روش تنها یک درصد تفاوت داشت. این امر می تواند از چند عامل ناشی شده باشد:

۱- کم ثبتی وقایع مرگ و میر، که بطور متقابل با توجه به ثبت نشدن موالید اتباع خارجی ساکن در کشور می توان از آن چشم پوشی نمود. علاوه بر این انتظار نمی رود که پوشش ثبت مرگ و میر در ۵ سال اخیر نسبت به دوره قبل آن بدتر شده باشد.

۲- مهاجرت پر رنگ تر به خارج از کشور

۳- کم شماری بیشتر در سرشماری ۱۳۹۵ نسبت به سرشماری ۱۳۹۰

بر اساس گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ مرکز آمار ایران، در این سرشماری عدم همکاری و خانوارهای غایب (زوج شاغل) افزایش یافته اند. بر این اساس به نظر می رسد، کم شماری در سرشماری ۱۳۹۵ بیشتر از سرشماری ۱۳۹۰ بوده و می توان انتظار داشت که جمعیت واقعی کشور و نرخ رشد آن در سال ۱۳۹۵ بیشتر از نتایج منتشر شده باشد.

از زاویه ای دیگر می توان گفت که جمعیت ۴-۰ ساله سال ۱۳۹۵ که از موالید دوره ۹۵-۱۳۹۰ منتج شده، ۱۴ درصد نسبت به جمعیت ۹-۵ ساله همان سال، که از موالید دوره ۹۰-۱۳۸۵ تشکیل شده اند، بیشتر است. در حالی که براساس آمار سازمان ثبت احوال، تعداد مرگ و میرها در ده سال گذشته تقریباً تثبیت شده است. پس نرخ رشد طبیعی جمعیت که از موالید و مرگ و میر ناشی می شود، در دوره ۹۵-۱۳۹۰، نسبت به دوره ۹۰-۱۳۸۵، افزایش یافته است. بنابراین، نتایج سرشماری ها که خلاف این را نشان می دهد، اگر از تفاوت پوشش سرشماری های ۱۳۹۰، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ ریشه نگرفته باشد، نشانگر افزایش مهاجرت به خارج از کشور در ۵ سال گذشته است که باید مورد توجه قرار گیرد.

ساختار سنی جمعیت

سن یکی از متغیرهای اصلی جمعیتی است و توزیع جمعیت یک کشور در گروه‌های مختلف سنی از نظر اقتصادی - اجتماعی حائز اهمیت است.

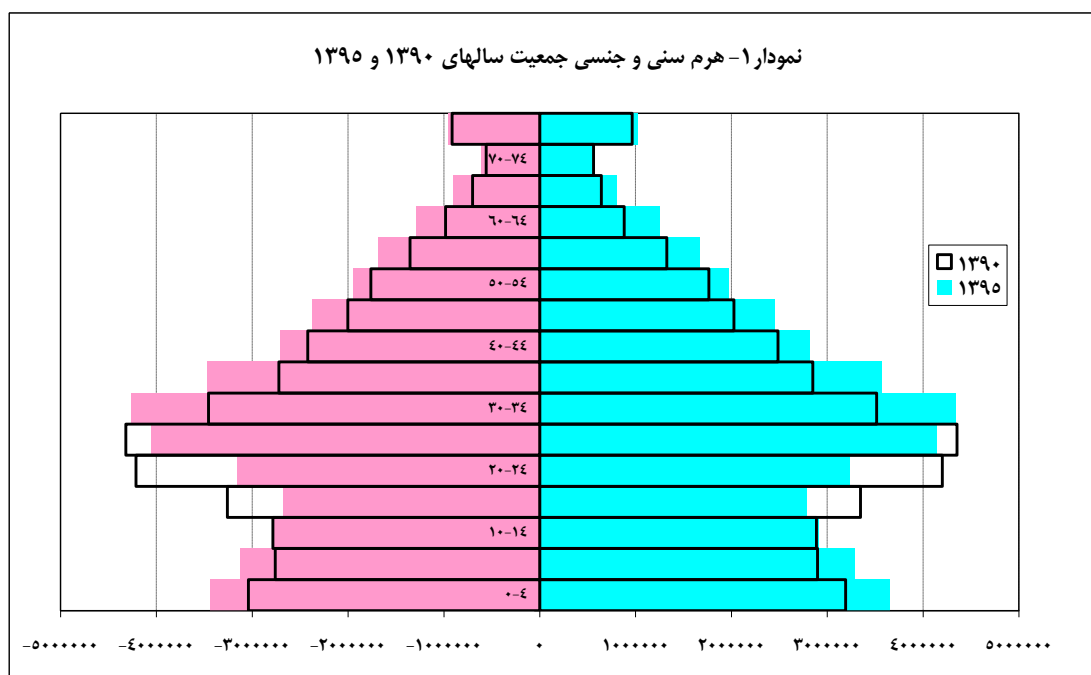
برای نمایش هندسی توزیع جمعیت بر حسب سن، نموداری تدوین می‌شود که به نام هرم سنی معروف است. هرم سنی جمعیت یک کشور نشانگر تاریخ جمعیتی و تغییرات به وجود آمده در ساخت جمعیت آن کشور است. جدول و نمودار (۱) ساختار سنی و جنسی جمعیت را در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ نشان می‌دهد.

در سال ۱۳۹۵، ۵۰.۷ درصد جمعیت کشور را مردان و ۴۹.۳ درصد را زنان تشکیل داده‌اند و نسبت جنسی جمعیت (تعداد جمعیت مردان در مقابل ۱۰۰ زن) در این سال ۱۰۳ بوده است.

جدول ۱- جمعیت گروه‌های سنی پنج ساله کشور در سال ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ (نفر)

۱۳۹۰			۱۳۹۵			گروه سنی
مرد و زن	زنان	مردان	مرد و زن	زنان	مردان	
۶۲۳۲۵۵۲	۳۰۴۰۲۴۱	۳۱۹۲۳۱۱	۷۰۹۳۰۰۴	۳۴۴۳۲۰۴	۳۶۴۹۸۰۰	۰-۴
۵۶۵۷۷۹۱	۲۷۵۹۲۳۱	۲۸۹۸۵۶۰	۶۴۱۱۲۷۷	۳۱۲۵۲۴۷	۳۲۸۶۰۳۰	۵-۹
۵۶۷۱۴۳۵	۲۷۸۳۰۴۷	۲۸۸۸۳۸۸	۵۶۸۸۳۸۴	۲۷۷۶۹۶۱	۲۹۱۱۴۲۳	۱۰-۱۴
۶۶۰۷۰۴۳	۳۲۵۹۶۰۷	۳۳۴۷۴۳۶	۵۴۵۸۹۹۷	۲۶۷۳۳۰۹	۲۷۸۵۶۸۸	۱۵-۱۹
۸۴۱۴۴۹۷	۴۲۱۲۹۲۲	۴۲۰۱۵۷۵	۶۳۹۲۸۷۹	۳۱۵۵۹۰۴	۳۲۳۶۹۷۵	۲۰-۲۴
۸۶۷۲۶۵۴	۴۳۱۸۰۲۰	۴۳۵۴۶۳۴	۸۲۰۱۱۳۳	۴۰۵۷۶۸۸	۴۱۴۳۴۴۵	۲۵-۲۹
۶۹۷۱۹۲۴	۳۴۵۶۰۹۶	۳۵۱۵۸۲۸	۸۶۰۰۹۱۳	۴۲۶۰۴۶۵	۴۳۴۰۴۴۸	۳۰-۳۴
۵۵۷۱۰۱۸	۲۷۲۰۷۸۵	۲۸۵۰۲۳۳	۷۰۳۷۵۹۸	۳۴۶۵۱۹۵	۳۵۷۲۴۰۳	۳۵-۳۹
۴۹۰۶۷۴۹	۲۴۲۰۳۷۰	۲۴۸۶۳۷۹	۵۵۱۸۳۰۷	۲۷۰۴۴۱۷	۲۸۱۳۸۹۰	۴۰-۴۴
۴۰۳۰۴۸۱	۲۰۰۳۱۴۳	۲۰۲۷۳۳۸	۴۸۳۳۱۲۳	۲۳۷۸۶۹۶	۲۴۵۴۴۲۷	۴۵-۴۹
۳۵۲۷۴۰۸	۱۷۶۲۲۹۵	۱۷۶۵۱۱۳	۳۹۲۵۹۷۱	۱۹۵۰۳۹۷	۱۹۷۵۵۷۴	۵۰-۵۴
۲۶۸۰۱۱۹	۱۳۵۳۴۸۵	۱۳۲۶۶۳۴	۳۳۵۰۵۹۳	۱۶۸۰۶۵۹	۱۶۶۹۹۳۴	۵۰-۵۹
۱۸۶۲۹۰۷	۹۸۱۹۴۵	۸۸۰۹۶۲	۲۵۴۲۵۷۳	۱۲۸۹۹۱۰	۱۲۵۲۶۶۳	۶۰-۶۴
۱۳۴۳۷۳۱	۷۰۰۳۸۹	۶۴۳۳۴۲	۱۷۱۱۴۶۴	۹۰۲۵۵۴	۸۰۸۹۱۰	۶۵-۶۹
۱۱۱۹۹۶۸	۵۵۸۸۲۱	۵۶۱۱۴۷	۱۱۷۷۶۲۵	۶۰۶۵۱۳	۵۷۱۱۱۲	۷۰-۷۴
۱۸۷۹۳۹۲	۹۱۳۶۰۳	۹۶۵۷۸۹	۱۹۸۲۴۲۹	۹۵۶۷۰۹	۱۰۲۵۷۲۰	+۷۵
۷۵۱۴۹۶۶۹	۳۷۲۴۴۰۰	۳۷۹۰۵۶۶۹	۷۹۹۲۶۲۷۰	۳۹۴۲۷۸۲۸	۴۰۴۹۸۴۴۲	کل

مأخذ: نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سالهای ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵، مرکز آمار ایران.



مأخذ: نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سالهای ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵، مرکز آمار ایران

با نگاه به نمودار (۱) متوجه چند تغییر مهم در هرم جمعیت کشور در فاصله ۵ سال اخیر می شویم.

۱- پهن تر شدن پایه هرم جمعیت یا اضافه شدن بیش از ۱۶ میلیون نفر به جمعیت زیر ۱۰ سال در سال ۱۳۹۵ نسبت به سال ۱۳۹۰. روند افزایشی موالید ثبت شده در ده سال گذشته (۹۵-۱۳۸۵) دلیل این تغییر است. دلیل اصلی افزایش تعداد موالید تا سال ۱۳۹۰، افزایش جمعیت زنان واقع در سنین اوج باروری (۲۰-۳۴ ساله) و از سال ۱۳۹۰ به بعد افزایش نرخ باروری کل بوده است. بر اساس نتایج سرشماری و آمار موالید ثبت شده در سازمان ثبت احوال کشور، نرخ باروری در سال ۱۳۹۵، حدود ۲.۱۵ فرزند برآورد می شود. نرخ باروری در سال ۱۳۹۰ حدود ۱.۹ فرزند برآورد شده بود.

۲- کاهش حجم جمعیت جوانان ۱۵-۲۹ ساله. این گروه سنی بازماندگان متولدین سالهای ۸۰-۱۳۶۵ هستند. روند کاهش تعداد موالید در دوره فوق، اکنون به صورت کاهش جمعیت جوانان دیده می شود.

۳- جمعیت در همه گروه های سنی ۳۰ سال به بالا در حال افزایش بوده است. علت این امر نیز روند افزایشی موالید از سال ۱۳۳۸ تا سال ۱۳۶۵ است. علاوه بر این کاهش مرگ و میر بخصوص مرگ و میر کودکان و افزایش امید زندگی نیز بر افزایش حجم جمعیت سنین بالا موثر بوده است.

در مطالعات جمعیتی برای داشتن تصویری کلی از ساخت جمعیت، ساختار سنی جمعیت را می توان در چهار گروه سنی زیر بررسی نمود:

- ۱- جمعیت ۰-۱۴ ساله (کودکان)
- ۲- جمعیت ۱۵-۲۹ ساله (جوانان)
- ۳- جمعیت ۳۰-۶۴ ساله (میانسالان)

۴- جمعیت ۶۵ ساله و بیشتر (سالمندان)

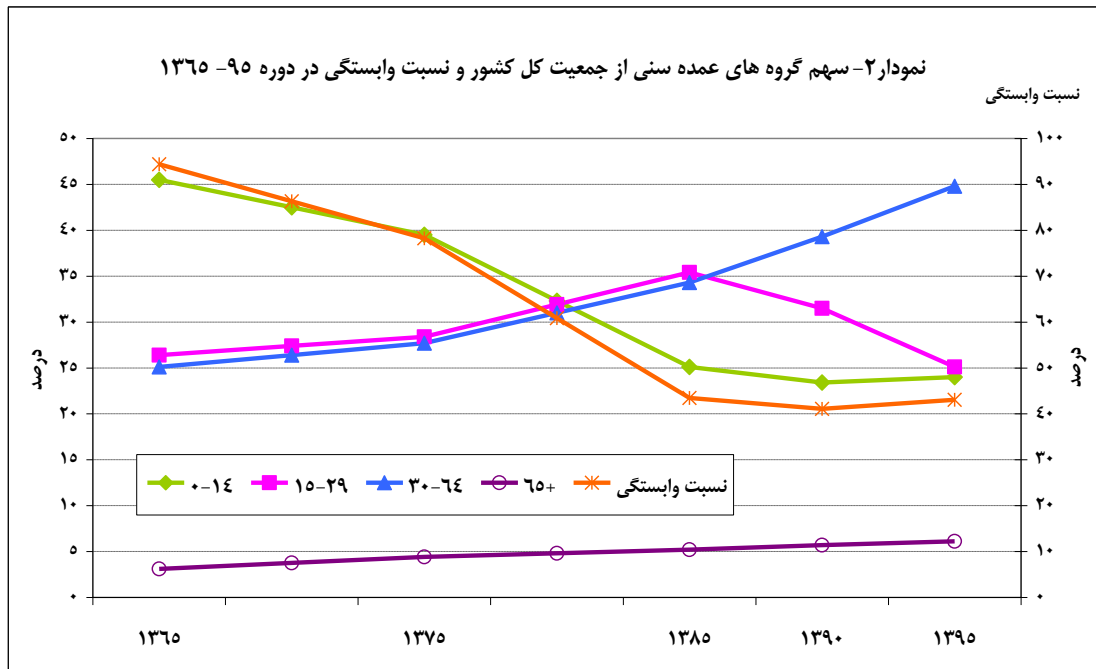
در جدول ۲ تعداد و سهم جمعیت واقع در این گروه‌های سنی در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ و در نمودار ۲ روند تغییرات سهم این گروه‌های سنی از کل جمعیت کشور طی سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۹۵ دیده می‌شود.

جدول ۲- تعداد و سهم جمعیت واقع در گروه‌های سنی بزرگ در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵

گروه‌های سنی	سال ۱۳۹۰		سال ۱۳۹۵	
	تعداد (نفر)	درصد	تعداد (نفر)	درصد
۰-۱۴	۱۷۵۶۱۷۷۸	۲۳.۴	۱۹۱۹۲۶۶۵	۲۴
۱۵-۲۹	۲۳۶۹۴۱۹۴	۳۱.۵	۲۰۰۵۳۰۰۹	۲۵.۱
۳۰-۶۴	۲۹۵۵۰۶۰۶	۳۹.۳	۳۵۸۰۹۰۷۸	۴۴.۸
+۶۵	۴۳۴۳۰۹۱	۵.۸	۴۸۷۱۵۱۸	۶.۱
جمع	۷۵۱۴۹۶۶۹	۱۰۰	۷۹۹۲۶۲۷۰	۱۰۰

مأخذ: نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سالهای ۱۳۹۵ و ۱۳۹۰

سهم جمعیت ۰-۱۴ سال (نسبت جوانی) که تا سال ۱۳۷۵ نزدیک به ۴۰ درصد جمعیت کشور بوده است، با کاهشی قابل توجه در یک دوره دهساله به ۲۵ درصد در سال ۱۳۸۵ تقلیل یافت. ولی در ۵ سال گذشته، برای اولین بار پس از سال ۱۳۶۵، این سهم روند افزایشی پیدا کرده و از ۲۳.۴ درصد در سال ۱۳۹۰ به ۲۴ درصد در سال ۱۳۹۵ رسید. لازم به ذکر است که از کل جمعیت جهان نیز در سال ۲۰۱۶، ۲۶ درصد ۰-۱۴ ساله بوده اند.



مأخذ: نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن، مرکز آمار ایران

افت سریع نسبت جوانی به دلیل شروع کاهش نرخ باروری از نیمه دوم دهه ۶۰ و استمرار آن تا سال ۱۳۸۵ بوده است. در دوره ۹۰-۱۳۸۵ نرخ باروری تقریباً تثبیت شد. پس از سال ۱۳۹۰ با افزایش نرخ باروری و تعداد موالید، دوباره شاهد افزایش اندکی در نسبت جوانی و پهن شدن محسوس پایه هرم سنی جمعیت هستیم.

سهام جمعیت ۲۹-۱۵ ساله از کل جمعیت کشور که در دهه ۸۵-۱۳۷۵، به دلیل انبوه متولدین دهه ۶۰ با رشدی قابل توجه از حدود ۲۷ درصد به بیش از ۳۵ درصد رسیده بود، با خروج متولدین دهه ۶۰ از این گروه سنی، در سال ۱۳۹۵ به حدود ۲۵ درصد رسید و تورم جوانی در کشور کاهش یافت. در سنین جوانی بیشترین تغییرات و گذارهای وضعیت زندگی نظیر اتمام و ترک تحصیل، ورود به بازار کار، گذار به بزرگسالی، ازدواج و تشکیل خانواده، تجربه والدینی، رفتارهای پرخطر، مهاجرت و غیره رخ می‌دهد. بنابراین تأمین نیازهای آموزشی و اشتغال، ازدواج، تشکیل خانواده، مسکن، بهداشت و سلامت برای خیل عظیم جوانان یکی از مهم‌ترین مسائل جمعیتی است. به طوری که در سالهای اخیر فشار زیادی به کشور و دولت وارد می‌کند. گرچه در حال حاضر، مطالبات شغلی و تشکیل خانواده برای بخشی از متولدین دهه ۶۰ هنوز پاسخ داده نشده و به تعویق افتاده است، ولی با کاهش سهام جمعیتی این گروه انتظار می‌رود در سالهای آینده به تدریج از فشار مطالبات شغلی کاسته شده و روند معقولی به خود گیرد.

سهام گروه سنی ۶۴-۳۰ ساله در یک روند صعودی سریع از حدود ۲۸ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۴۵ درصد در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است. در واقع معادل سهام جمعیتی کاسته شده از گروه سنی ۲۹-۱۵ ساله، به سهام جمعیتی این گروه سنی افزوده شده است. در شرایط معمول انتظار می‌رود جمعیت این گروه سنی به تثبیت شغلی رسیده و تشکیل خانواده نیز داده باشند. در این صورت حجم جمعیتی بالای این گروه سنی با کاهش بار تکفل و افزایش تعداد شاغلان، زمینه ساز رشد اقتصادی و ثبات اجتماعی جامعه می‌شوند. ولی با شرایط رکود و تحریم اقتصادی در دهه ۹۵-۱۳۸۵، در کنار ورود حجم عظیم جوانان متولد دهه ۶۰ به بازار کار، مطالبات شغلی و خانوادگی بخشی از این جوانان پاسخ نگرفته و به سنین بعد از ۳۰ سالگی موکول شد. در کنار مشکلات اقتصادی بجا مانده از دوران رکود و تحریم در کشور، بخشی از جوانان متقاضی کار متولد دهه ۶۰ نیز به متولدین دهه ۷۰ متقاضی کار، در سالهای اخیر اضافه شد. که این امر باعث شده است که مشکل اشتغال، یکی از دغدغه‌های اصلی کشور گردد.

سهام جمعیت گروه سنی ۶۵ ساله و بیشتر از سال ۱۳۶۵ به بعد روند افزایشی داشته و در سال ۱۳۹۵ به ۶.۱ درصد رسیده است. گرچه هنوز هم سهام این گروه سنی اندک است ولی در دهه‌های آتی نسبت جمعیت واقع در این گروه سنی رو به افزایش خواهد گذاشت و نیازمند توجه بیشتر به برنامه‌های مرتبط با جمعیت سالمند و بخصوص بیمه‌ها در برنامه‌های توسعه آینده خواهیم بود. در سال ۲۰۱۶، ۸ درصد جمعیت جهان بالای ۶۵ سال بوده اند، همانگونه که مشاهده می‌گردد، هنوز در مقایسه با جهان، سهام جمعیت سالمند در ایران پایین است. پیش بینی می‌شود در سال ۱۴۰۵ سهام جمعیت سالمند (+۶۵ ساله) در کشور به حدود ۸ درصد برسد. البته با کنترل روند افزایش باروری و تثبیت آن و افزایش امید زندگی و کاهش مرگ و میر کودکان، روند افزایش سهام جمعیت سالمند در همه جای دنیا دیده می‌شود.

با تغییرات صورت گرفته در نرخ باروری کشور از سال ۱۳۶۵ به بعد، کشور در مسیر گذار جمعیتی قرار گرفته است. در بستر فرآیند انتقال جمعیتی، در نتیجه گذارهای ساختار سنی در یک دوره زمانی نسبتاً کوتاه، نسبت جمعیت در سنین فعالیت به حداکثر می‌رسد و نوعی ساختار جمعیتی مطلوب برای شتاب بخشیدن به رشد اقتصادی به وجود می‌آید. پنجره جمعیتی دوره‌ای است که در آن کمتر از یک سوم جمعیت خارج از سنین فعالیت و بیشتر از دو سوم جمعیت در سنین فعالیت باشند. در این حالت نسبت وابستگی سنی یا بار تکفل که از تقسیم جمعیت خارج از سنین فعالیت (زیر ۱۵ ساله و ۶۵ ساله و بالاتر) بر جمعیت در سنین فعالیت (۶۴-۱۵ ساله) به دست می‌آید، به پایین‌ترین سطح خود و به کمتر از ۰.۵ می‌رسد. در نمودار ۲ می‌بینیم که براساس این شاخص ایران قبل از سال ۱۳۸۵ وارد فاز پنجره جمعیتی شده است. سرشماری ۱۳۸۵ نشان می‌دهد که در این سال نسبت وابستگی سنی به کمتر از ۰.۵ (۰.۴۴) کاهش یافته است. این نسبت در سال ۱۳۹۰ به ۰.۴۱ و در سال ۱۳۹۵ به ۰.۴۳ درصد رسید.

وضعیت پنجره جمعیتی که از آن با نام موهبت جمعیتی نیز نام برده می‌شود، در تاریخ جمعیتی هر ملت فقط یک بار اتفاق می‌افتد. عمر کوتاهی دارد- معمولاً چند دهه (حدود ۴ دهه) دوام می‌آورد- و اگر به درستی هدایت شود می‌تواند به توسعه کشور به نحو شایان توجهی کمک کند. در غیر این صورت، درصورت عدم هدایت و بهره‌برداری درست و به موقع از آن به جای کمک به توسعه اقتصادی و اجتماعی، به مانع بزرگی در مسیر توسعه تبدیل شده و منجر به رشد بیکاری بخصوص در میان جوانان می‌شود. بیکاری بالا در بین جوانان افزایش جرائم و خطرات رفتاری را به دنبال داشته و علاوه بر افزایش میزان مهاجرت می‌تواند منجر به گسستگی در جامعه شود.

به دلیل شرایط بد اقتصادی کشور (سیاست‌های غلط اقتصادی، رکود و تحریم) تا حدود دو سال پیش، از فرصت طلایی پنجره جمعیتی در سالهای گذشته، به درستی استفاده نشده و بر حجم جوانان بیکار در کشور افزوده گردید. با این وجود، هنوز هم فرصت برای استفاده از این موهبت جمعیتی باقی است. از سال ۱۳۹۵ به بعد شاهد بهبود شرایط اقتصادی هستیم و انتظار می‌رود که از این فرصت به خوبی استفاده شود.

بررسی سازگاری نتایج سرشماری با استفاده از نسبت بازماندگی و آمار ثبتي

مقایسه داده‌ها در گروه‌های سنی متوالی، با توجه به ارتباطی که گروه‌های سنی با هم دارند، روشی مطلوب برای ارزیابی دو سرشماری پیاپی است. علاوه بر این جمعیت گروه‌های سنی پایین را نیز می‌توان با مولید ثبت شده سالانه مقایسه نمود. نسبت بازماندگی که از تقسیم جمعیت یک گروه سنی (۹-۵ ساله) در سرشماری آخر به جمعیت گروه سنی کوچکتر در سرشماری قبلی (۴-۰ ساله) به دست می‌آید، باید متناسب با میزان مرگ و میر و سطح امید زندگی باشد. به بیان دیگر نسبت بازماندگی در همه گروه‌های سنی باید کمتر از ۱ بوده و با توجه به سطح امید زندگی که در کشور حدود ۷۳ الی ۷۵ سال است، در گروه‌های سنی زیر ۴۰ سال، باید از ۰.۹۹ بیشتر باشد. نسبت‌هایی که در این محدوده نباشند حاکی از آنند که دست کم یکی از دو سرشماری دارای خطاست و یا روند مهاجرت تاثیر گذار بوده است.

در جدول ۳ نسبت بازماندگی به دست آمده از نتایج دو سرشماری ۱۳۹۵ و ۱۳۹۰ منعکس شده است. نسبت‌های بازماندگی در گروه‌های سنی ۹-۵ و ۱۴-۱۰ ساله برای مردان و زنان بالاتر از ۱ است که بر کم شماری جمعیت زیر ۱۰ سال در سال ۱۳۹۰ دلالت می‌کند. کم شماری جمعیت زیر ۱۰ سال در اغلب سرشماری‌ها در داخل و خارج از کشور دیده می‌شود. علاوه بر این، نسبت بازماندگی در گروه سنی ۳۹-۳۵ ساله برای مردان و زنان بالاتر از یک است که نشان دهنده ناسازگاری (کم شماری در سال ۱۳۹۰ یا بیش شماری در سال ۱۳۹۵) است. انتظار نمی‌رود در سالهای اخیر این گروه سنی بیشتر مهاجرپذیر بوده باشد تا مهاجرفرست، که توجیه‌کننده نسبت بازماندگی بیش از یک باشد.

مجموع تعداد مولید ثبت شده در سالهای ۹۵-۱۳۹۰ که حدوداً جمعیت ۴-۰ ساله را در سال ۱۳۹۵ شکل می‌دهند ۷.۵ میلیون نفر است که با جمعیت ۴-۰ ساله سرشماری ۱۳۹۵ که ۷.۱ میلیون نفر است حدود ۴۰۰ هزار نفر فاصله دارد. مولید ثبت شده در سال ۱۳۹۵ نیز نسبت به جمعیت صفر ساله سرشماری حدود ۱۰ درصد بیشتر است که بر کم شماری قابل توجه جمعیت صفر ساله سرشماری ۱۳۹۵ دلالت دارد. جمعیت گروه‌های سنی ۴-۱ ساله نیز حدود ۵ درصد کمتر از مولید ثبت شده طی دوره ۹۴-۱۳۹۱ است.

باید توجه داشت که اثر مرگ و میر گروه سنی ۴-۰ ساله طی سالهای ۹۵-۹۰ و نیز مولید اتباع بیگانه که در آمار ثبتي دیده نشده‌اند، ولی در سرشماری مورد پوشش قرار می‌گیرند، حدوداً نزدیک به هم و در جهت عکس هم عمل کرده و یکدیگر را خنثی می‌نماید. بنا بر این، کم شماری حدود ۴۰۰ هزار نفری در گروه سنی ۴-۰ ساله سرشماری ۱۳۹۵ قابل انتظار است.

جدول ۳ - میزان بازماندگی در گروه های سنی بین دو سرشماری ۱۳۹۵ و ۱۳۹۰

گروه سنی	مردان	زنان
۵-۹	۱۰۰۲۹۴	۱۰۰۲۸۰
۱۰-۱۴	۱۰۰۰۴۴	۱۰۰۰۶۴
۱۵-۱۹	۰۹۶۴۴	۰۹۶۰۶
۲۰-۲۴	۰۹۶۷۰	۰۹۶۸۲
۲۵-۲۹	۰۹۸۶۲	۰۹۶۳۲
۳۰-۳۴	۰۹۹۶۷	۰۹۸۶۷
۳۵-۳۹	۱۰۰۱۶۱	۱۰۰۰۲۶
۴۰-۴۴	۰۹۸۷۲	۰۹۹۴۰
۴۵-۴۹	۰۹۸۷۱	۰۹۸۲۸
۵۰-۵۴	۰۹۷۴۵	۰۹۷۳۷
۵۵-۵۹	۰۹۴۶۱	۰۹۵۳۷
۶۰-۶۴	۰۹۴۴۲	۰۹۵۳۰
۶۵-۶۹	۰۹۱۸۲	۰۹۱۹۱
۷۰-۷۴	۰۸۸۷۷	۰۸۶۶۰

منتج شده از نتایج سرشماری های عمومی نفوس و مسکن سالهای ۱۳۹۵ و ۱۳۹۰، مرکز آمار ایران

مجموع تعداد موالید ثبت شده در سالهای ۹۰-۱۳۸۶ که جمعیت ۵-۹ ساله را در سال ۱۳۹۵ شکل می دهند، ۶.۷ میلیون نفر است که از جمعیت ۵-۹ ساله سرشماری ۱۳۹۵ که ۶.۴ میلیون نفر است، حدود ۳۰۰ هزار نفر کمتر است که می تواند ناشی از کم شماری این گروه سنی در سال ۱۳۹۵ باشد. این موالید جمعیت ۴-۰ ساله سرشماری ۱۳۹۰ را هم شکل می دهند. جمعیت ۴-۰ ساله سرشماری ۱۳۹۰ نیز برابر ۶.۲ میلیون نفر بوده است که نسبت به آمار موالید ثبت شده حدود ۵۰۰ هزار نفر کمتر است. افزایش جمعیت ۵-۹ ساله ۱۳۹۵ نسبت به جمعیت ۴-۰ ساله ۱۳۹۰ نیز که غیر منطقی است از همین کم شماری بیشتر در سال ۱۳۹۰ نشأت می گیرد. کمتر بودن جمعیت گروه های سنی پایین از تعداد موالید ثبتی، در کنار نسبت بازماندگی بزرگتر از یک، بر کم شماری سرشماری ها در سنین پایین دلالت دارد. مقایسه نسبت بازماندگی به دست آمده از نتایج دو سرشماری، با میزان بازماندگی جداول عمر براساس امید زندگی حدود ۷۵ سال نشان می دهد که جوانان ۱۵-۲۹ ساله در سرشماری ۱۳۹۵ حدود ۶۰۰ هزار نفر کمتر از آنچه انتظار می رفت، شمارش شده اند. این اختلاف از تفاوت میزان پوشش دو سرشماری و یا از مهاجرت به خارج از کشور جوانان ناشی شده است.

بنا بر این با توجه به شواهد، می توان نسبت به کم شماری جمعیت ۴-۰ ساله و ۹-۵ ساله، و کم شماری یا مهاجرت پر رنگ جوانان ۲۹-۱۵ ساله در سرشماری ۱۳۹۵ و کم شماری جمعیت ۳۴-۳۰ ساله در سرشماری ۱۳۹۰ یا بیش شماری جمعیت ۳۹-۳۵ ساله در سرشماری ۱۳۹۵ گمانه زنی نمود.

مقایسه نرخ رشد جمعیت استان‌ها

نرخ رشد جمعیت متأثر از میزان مولید یا نرخ باروری، میزان مرگ و میر یا امید به زندگی و نسبت خالص مهاجرت است. نتایج سرشماری ۱۳۹۵ در خصوص باروری و مرگ و میر هنوز منتشر نشده است. بنابراین، در این قسمت در صورت لزوم به این مقادیر در سال ۱۳۹۰ نگاه می‌شود.

بر اساس داده‌های جمعیتی مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۰، میزان خام مرگ و میر در استانهای مختلف بین ۴۰۱ تا ۶۴۷ در هزار متغیر بوده است که حداکثر ۲۰۴۶ در هزار تفاوت دارد. ولی میزان خام مولید بین ۱۲۸۶ در هزار تا ۳۲۰۴۶ در هزار تغییر می‌کند که اختلاف حدود ۲۰ در هزار را نشان می‌دهد. بنابراین، نرخ باروری و نسبت خالص مهاجرت عمده‌ترین تأثیر را بر تغییرات نرخ رشد جمعیت استان‌ها دارد.

متوسط نرخ رشد سالانه جمعیت استان‌ها در فاصله بین چند سرشماری پیاپی (۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵) در نمودار ۳ و جدول ۴ دیده می‌شود. در جدول ۴ نسبت خالص مهاجرت استانها (درصد) در سال ۱۳۹۵ و نرخ باروری (فرزند) در سال ۱۳۹۰ نیز منعکس شده است.

نرخ رشد سالانه جمعیت استانها در دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰ از ۰.۲۳- درصد در استان همدان تا ۳.۰۲ درصد در استان خراسان جنوبی متفاوت است. استانها را با توجه به نرخ رشد جمعیت به ۴ گروه تقسیم می‌کنیم. استانهایی با نرخ رشد جمعیت سالانه:

۱- منفی یا کمتر از ۰.۵ درصد -۲ بین ۰.۵ و ۱ درصد -۳ بین ۱ و ۱.۵ درصد -۴ بیش از ۱.۵ درصد

استان همدان به دلیل نرخ باروری پایین و مهاجر فرست بودن، با نرخ رشد سالانه جمعیت ۰.۲۳- درصد کمترین نرخ رشد جمعیت را بین استانها دارا بوده و کاهش جمعیت را در این دوره تجربه نموده است.

پس از استان همدان، استان خراسان شمالی با ۰.۱۱- درصد کمترین نرخ رشد را داشته است. در حالی که طی دوره ۹۰-۱۳۷۵ نرخ رشد جمعیت این استان بالای یک درصد بوده و علاوه بر این نرخ باروری آن در سال ۱۳۹۰، ۲.۲ فرزند که بالاتر از متوسط کشور و مهاجرپذیر نیز بوده است، بنا بر این نرخ رشد منفی استان خراسان شمالی و کاهش جمعیت آن، قابل توضیح نیست.

پس از این دو استان، استانهای کرمانشاه، لرستان، مرکزی، اردبیل و گیلان به ترتیب دارای کمترین نرخ رشد جمعیت بوده‌اند و نرخ رشد جمعیت آنها مثبت ولی کمتر از ۰.۵ بوده است. به این معنا که افزایش جمعیت این استانها کم بوده است. با توجه به آن که نرخ رشد استان مرکزی در دوره‌های قبلی بیش از یک درصد بوده و مهاجر پذیر نیز بوده است، نرخ رشد جمعیت پایین این استان زیر سوال است. بقیه استانهای این گروه (بجز استان گیلان که مهاجرپذیر است ولی پایین ترین نرخ باروری را در کشور داراست) در سال ۱۳۹۰، مهاجر فرست بوده و نرخ باروری پایین نیز داشته‌اند که توجیه کننده نرخ رشد پایین جمعیت آنها است.

استانهای خوزستان، ایلام، زنجان، آذربایجان شرقی و اصفهان در گروه دوم قرار گرفته و نرخ رشد جمعیت بیشتر از ۰.۵ و زیر یک درصد دارند. در این مجموعه نیز نرخ رشد پایین جمعیت استان اصفهان با توجه به مهاجر پذیر بودن و بالاتر بودن نرخ رشد جمعیت آن از میانگین کشوری در دوره های قبلی، جای سوال دارد.

استانهای گلستان، فارس، چهارمحال و بختیاری، آذربایجان غربی، قزوین، یزد، مازندران، کردستان، خراسان رضوی و کرمان در گروه سوم قرار گرفته و نرخ رشد سالانه جمعیت آنها بین یک تا ۱.۵ درصد بوده است.

در بین این استانها نیز کاهش قابل توجه نرخ رشد جمعیت استان گلستان، یزد و کرمان با توجه به میزان مهاجرپذیری بالا و نرخ باروری بالاتر از میانگین کل کشور، غیر منتظره و عجیب است.

نرخ رشد جمعیت استان کردستان نیز به رغم مهاجرفرستی و نرخ باروری پایین، نسبت به دوره ۱۵ ساله قبلی، دو برابر شده که علت آن قابل توضیح نیست.

استانهای کهگیلویه و بویراحمد، تهران، سیستان و بلوچستان، سمنان، قم، البرز، هرمزگان، بوشهر و خراسان جنوبی به ترتیب با نرخ رشد جمعیت بین ۱.۶ تا ۳ درصد بالاترین نرخ رشد جمعیت را بین استانهای کشور دارا بوده اند.

نرخ رشد جمعیت استان خراسان جنوبی از ۰.۸ درصد در دوره ۹۰-۱۳۸۵ به بیش از ۳ درصد در دوره ۹۵-۱۳۹۰ (بالاترین نرخ رشد جمعیت استانی در این دوره) رسیده است. با توجه به نرخ باروری بالا و مهاجرپذیری این استان، احتمال می رود به دلیل کم شماری جمعیت استان در سرشماری سال ۱۳۹۰، جمعیت این استان در سال ۱۳۹۰ پایین تر از مقدار حقیقی دیده شده باشد که هم باعث پایین تر دیده شدن نرخ رشد جمعیت استان در دوره ۹۰-۱۳۸۵ و بالاتر دیده شدن نرخ رشد جمعیت در دوره ۹۵-۱۳۹۰ شده باشد.

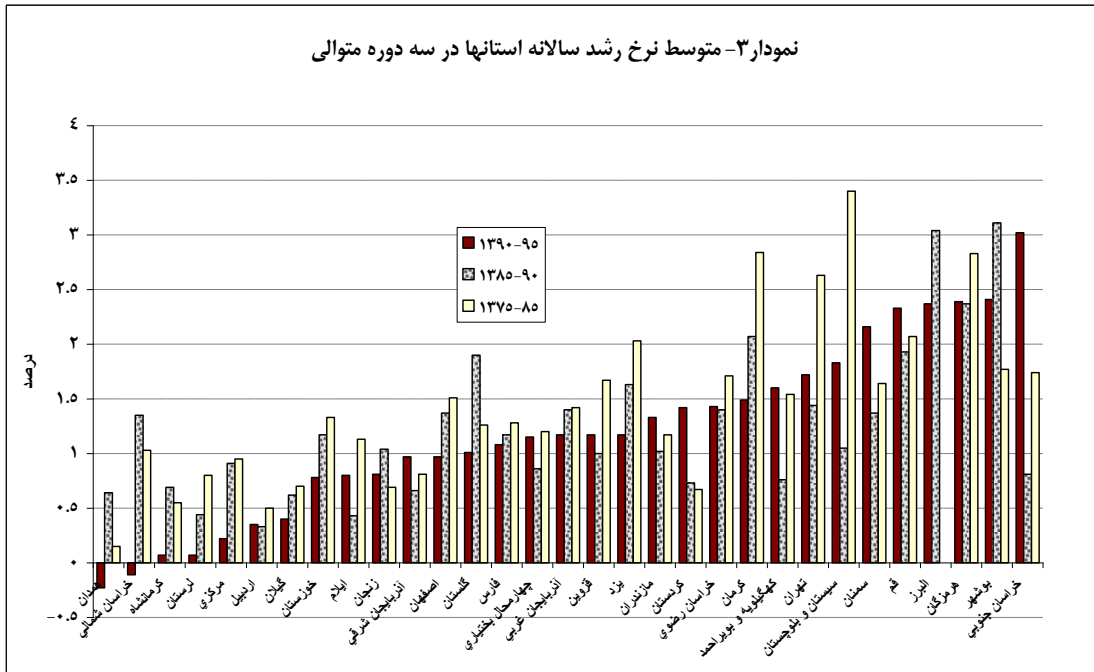
نرخ رشد بالای جمعیت استانهای تهران، سمنان، قم و البرز به دلیل مهاجرپذیری بالاست. استان سیستان و بلوچستان و کهگیلویه و بویراحمد به دلیل نرخ باروری بالا، نرخ رشد جمعیت بالایی دارند. استانهای هرمزگان، بوشهر و خراسان جنوبی، به دلیل نرخ باروری بالا در کنار مهاجرپذیری، از بیشترین نرخ رشد جمعیت در کشور برخوردار هستند.

با توجه به آنچه گفته شد، احتمال خطای محسوس در نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵ یا ۱۳۹۰، استانهای خراسان شمالی، مرکزی، اصفهان، گلستان، یزد، کرمان، کردستان و خراسان جنوبی وجود دارد. البته با فرض اینکه نرخ باروری و خالص مهاجرت این استانها در سال ۱۳۹۰ درست برآورد شده و در این دوره ۵ ساله تغییر غیر منتظره و بزرگی، پیدا نکرده باشد. این قسمت پس از انتشار نرخ باروری سال ۱۳۹۵ بازنگری خواهد شد.

جدول ۴- متوسط نرخ رشد سالانه جمعیت استانها در ۳ دوره متوالی، نسبت خالص مهاجرت (درصد) و نرخ باروری (فرزند)

نرخ باروری سال ۱۳۹۰ (فرزند)	نسبت خالص مهاجرت (درصد) ۱۳۹۰-۹۵	متوسط نرخ رشد سالانه جمعیت (درصد)			نام استان
		۱۳۷۵-۸۵	۱۳۸۵-۹۰	۱۳۹۰-۹۵	
۱.۸	-	۱.۶	۱.۲۹	۱.۲۴	کل کشور
۱.۷	-۰.۴۸	۰.۱۵	۰.۶۴	۰.۲۳-	همدان
۲.۲	۰.۶۰	۱.۰۳	۱.۳۵	۰.۱۱-	خراسان شمالی
۱.۶	-۱.۵۶	۰.۵۵	۰.۶۹	۰.۰۷	کرمانشاه
۱.۸	-۱.۵۴	۰.۸	۰.۴۴	۰.۰۷	لرستان
۱.۳	۱.۱۵	۰.۹۵	۰.۹۱	۰.۲۲	مرکزی
۲	-۰.۷۳	۰.۵	۰.۳۳	۰.۳۵	اردبیل
۱.۷	۱.۶۹	۰.۷	۰.۶۲	۰.۴	گیلان
۱.۸	-۰.۷۲	۱.۳۳	۱.۱۷	۰.۷۸	خوزستان
۱.۷	۰.۱۲	۱.۱۳	۰.۴۳	۰.۸	ایلام
۱.۸	۰.۹۳	۰.۶۹	۱.۰۴	۰.۸۱	زنجان
۱.۷	۰.۲۴	۰.۸۱	۰.۶۶	۰.۹۷	آذربایجان شرقی
۱.۵	۱.۶۶	۱.۵۱	۱.۳۷	۰.۹۷	اصفهان
۲	۱.۲۴	۱.۲۶	۱.۹	۱.۰۱	گلستان
۱.۶	۰.۳۱	۱.۲۸	۱.۱۷	۱.۰۸	فارس
۲	-۱.۳۲	۱.۲	۰.۸۶	۱.۱۵	چهارمحال بختیاری
۲	۰.۰۱	۱.۴۲	۱.۴	۱.۱۷	آذربایجان غربی
۱.۷	۰.۱۹	۱.۶۷	۱	۱.۱۷	قزوین
۲	۳.۵۴	۲.۰۳	۱.۶۳	۱.۱۷	یزد
۱.۳	۱.۳۶	۱.۱۷	۱.۰۲	۱.۳۳	مازندران
۱.۸	-۰.۲۳	۰.۶۷	۰.۷۳	۱.۴۲	کردستان
۲	۰.۴۷	۱.۷۱	۱.۴	۱.۴۳	خراسان رضوی
۲.۱	۰.۳۳	۲.۸۴	۲.۰۷	۱.۴۹	کرمان
۲.۱	-۰.۰۷	۱.۵۴	۰.۷۶	۱.۶	کهگیلویه و بویراحمد
۱.۴	۰.۷۱	۲.۶۲	۱.۴۴	۱.۷۲	تهران
۳.۵	-۰.۸۶	۳.۴	۱.۰۵	۱.۸۳	سیستان و بلوچستان
۱.۵	۳.۸۹	۱.۶۴	۱.۳۷	۲.۱۶	سمنان
۲	۱.۲۸	۲.۰۷	۱.۹۳	۲.۳۳	قم
۱.۴	۴.۸۵	-	۳.۰۴	۲.۳۷	البرز
۲.۳	۱.۲۸	۲.۸۳	۲.۳۷	۲.۳۹	هرمزگان
۲.۱	۳.۹۱	۱.۷۷	۳.۱۱	۲.۴۱	بوشهر
۲.۵	۲.۸۲	۱.۷۴	۰.۸۱	۳.۰۲	خراسان جنوبی

مأخذ: نتایج سرشماری های نفوس و مسکن، مرکز آمار ایران.



مأخذ: نتایج سرشماری های عمومی نفوس و مسکن ، مرکز آمار ایران

بعد خانوار

یکی از ویژگی‌های جمعیتی در هر جامعه، تعداد و بعد خانوار است. خانوار به مجموع یک یا چند نفر می‌گویند که با هم در یک اقامتگاه زندگی می‌کنند، با یکدیگر هم خرج هستند و معمولاً با هم غذا می‌خورند.

تعداد خانوارهای کشور از ۲۱.۲ میلیون در سال ۱۳۹۰ به ۲۴.۲ میلیون در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است. بنابراین در این دوره ۵ ساله ۳ میلیون یا ۱۴ درصد به تعداد خانوارها افزوده شده است. در همین مدت جمعیت از ۷۵.۱۵ میلیون نفر به ۷۹.۹۳ میلیون نفر افزایش یافته که ۶.۴ درصد افزایش را در این دوره نشان می‌دهد. مشاهده می‌گردد رشد تعداد خانوارها بیش از ۲ برابر رشد جمعیت بوده است.

متوسط تعداد افراد یک خانوار که از تقسیم تعداد جمعیت بر تعداد خانوار به دست می‌آید را بعد خانوار می‌گویند. عواملی که بر رشد جمعیت تأثیر می‌گذارند، به صورت مستقیم بعد خانوار را متأثر می‌کنند و عواملی که بر تعداد خانوار تأثیر می‌گذارند، اثر معکوس بر بعد خانوار دارند. زمانی که میزان رشد جمعیت بیش از رشد تعداد خانوار باشد، بعد خانوار افزایش می‌یابد و بالعکس زمانی که میزان رشد جمعیت کمتر از رشد تعداد خانوار باشد، بعد خانوار کاهش می‌یابد. بنابراین با بالاتر بودن رشد تعداد خانوارها از رشد جمعیت در دوره ۹۵-۱۳۹۰، شاهد کاهش بعد خانوار از ۳.۵ نفر در سال ۱۳۹۰ به ۳.۳ نفر در سال ۱۳۹۵ هستیم.

مجموعه عواملی که بر رشد جمعیت و تعداد خانوار در جامعه تأثیر می‌گذارند، همگی از عوامل موثر بر بعد خانوار هستند. باروری، مرگ و میر و مهاجرت مولفه‌هایی هستند که بر رشد جمعیت تأثیر می‌گذارند که در این میان تغییرات باروری بیشترین تأثیر را بر رشد جمعیت و به تبع آن بر بعد خانوار در سطح کشور دارد. از سوی دیگر عواملی چون سن ازدواج، شیوع خانوارهای گسترده، میزان مستقل زندگی کردن افراد مجرد یا مطلقه در سنین بزرگسالی یا باقی ماندن در خانوار اولیه، آهنگ خروج فرزندان از خانوار برای تحصیل، اشتغال یا مهاجرت و میزان‌های ازدواج و طلاق بر تعداد خانوار و به تبع آن بر بعد خانوار تأثیر می‌گذارد.

مقدار بسیاری از متغیرهای فوق مثل ازدواج، تحصیل، اشتغال، مهاجرت و ... تحت تأثیر ساختار سنی جمعیت است. بنابراین می‌توان گفت ساختار سنی جمعیت به صورت غیر مستقیم یکی از مهمترین عوامل تأثیرگذار بر رشد تعداد خانوارها در کشور است.

تحصیل در دانشگاه، سربازی و شروع به کار در محلی غیر از محل سکونت اولیه، ازدواج و مهاجرت اغلب در دهه سنی بیست سالگی رخ می‌دهند و منجر به شکل‌گیری خانوار جدید می‌شوند. در سال ۱۳۹۵ جمعیت گروه سنی ۲۰-۲۹ ساله ۱۴.۶ میلیون نفر و سهم آنان از کل جمعیت ۱۸.۲ درصد بوده است. این امر باعث افزایش ۳ میلیونی یا ۱۴ درصدی تعداد خانوار در دوره ۹۵-۱۳۹۰ شده است. در حالی که رشد جمعیت فقط ۶.۴ درصد بوده است. بنا بر این طبیعی است که بعد خانوار در کشور کاهش یافته باشد.

بعد خانوار کل کشور، شهری و روستایی در سال ۱۳۹۰ به ترتیب برابر ۳.۵، ۳.۵ و ۳.۷ نفر بود. در سال ۱۳۹۵ بعد خانوار کل کشور به ۳.۳ نفر، شهری به ۳.۳ نفر و بعد خانوار روستایی به ۳.۴ نفر کاهش یافته است. مشاهده می‌گردد فاصله بعد خانوار شهری و روستایی که در سال ۱۳۹۰، ۰.۲ نفر بوده در سال ۱۳۹۵ به ۰.۱ نفر کاهش یافته و از نظر بعد خانوار، جامعه شهری و روستایی بسیار به هم نزدیک شده‌اند.

بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، فاصله بعد خانوار در استان‌های کشور نیز چندان زیاد نیست و از ۳ نفر در استان گیلان و مازندران تا ۳.۹ نفر در استان سیستان و بلوچستان تغییر می‌کند. این تفاوت اندک در بعد خانوار دلالت بر همگرایی نرخ باروری و سایر مشخصه‌های مهم موثر بر بعد خانوار، در سطح کشور است.

در سال ۱۳۹۵ استان‌های شمالی و مرکزی توسعه‌یافته‌تر و با نرخ باروری کمتر کشور مثل گیلان، مازندران، تهران، مرکزی، آذربایجان شرقی، اصفهان، البرز، قزوین و همدان با بعد خانوار ۳ تا ۳.۲ نفر کمترین میزان بعد خانوار را دارا بوده‌اند. در این میان استان هرمزگان که یک استان جنوبی، با نرخ باروری و نرخ رشد جمعیت بالاست، یک استثنا محسوب شده و بعد خانوار آن بسیار پایین و برابر با ۳.۱ نفر است. با توجه به اینکه این استان مهاجرپذیر است، می‌توان انتظار داشت مهاجران شغلی به صورت مجردی و بدون همراه داشتن خانواده به این استان مهاجرت نموده و باعث کاهش بعد خانوار شده باشند.

استان‌های جنوبی و کمتر توسعه یافته شامل سیستان و بلوچستان، کهگیلویه و بویراحمد، خوزستان، بوشهر، ایلام، لرستان، چهارمحال بختیاری و آذربایجان غربی /، با بعد خانوار بالای ۳.۵ نفر، بیشترین میزان بعد خانوار را دارا بوده‌اند. بعد خانوار بقیه استانها نیز بین ۳.۳ تا ۳.۴ نفر بوده است.

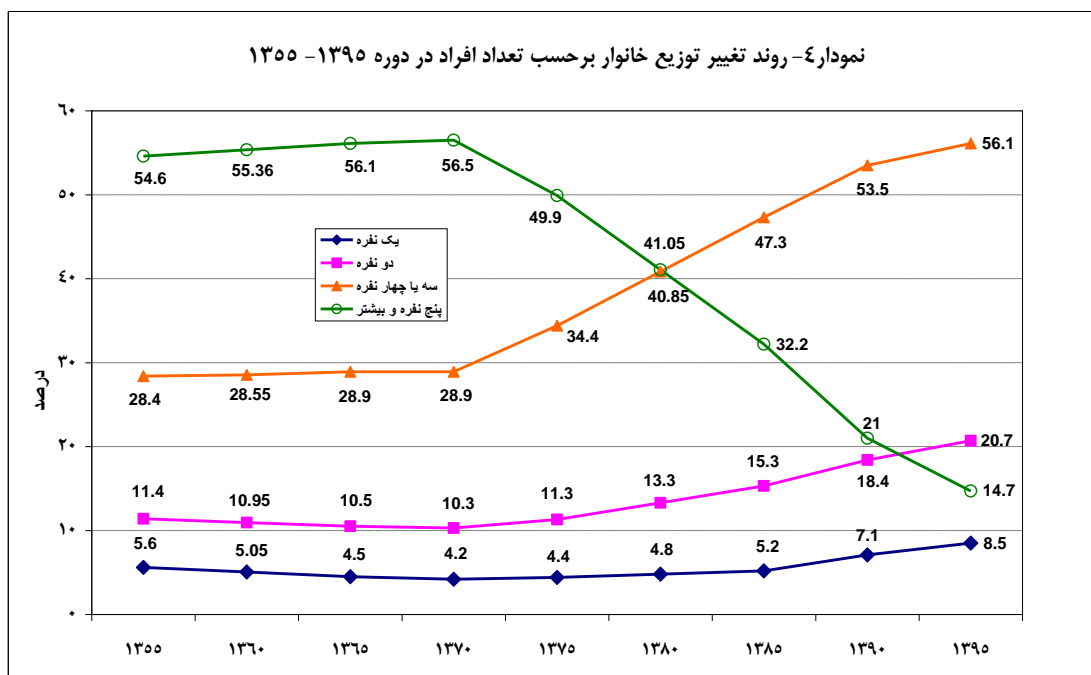
تغییرات تعداد و بعد خانوار بر تعداد و الگوی مسکن مورد تقاضا در جامعه بسیار موثر است. علاوه بر این میزان مصرف کالاهایی که به طور مشترک افراد یک خانوار از آن بهره می‌برند، مثل برق، سوخت و بعضی از کالاهای خانگی چون تلویزیون متأثر از تعداد و بعد خانوار است.

نمودار ۴ روند تغییر توزیع خانوار بر حسب تعداد افراد را در دوره ۱۳۹۵-۱۳۵۵ نشان می‌دهد. مشاهده می‌گردد درصد خانوارهای تک نفره در کشور که تا سال ۱۳۸۵ اندک بوده است، از سال مذکور به بعد روند صعودی آن شدت گرفته به طوری که از ۵.۲ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۸.۵ درصد در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است. مستقل شدن جوانان مجرد، افراد مطلقه ای که به تنهایی زندگی می‌کنند و افراد سالمندی که همسر خود را از دست داده و فرزندان نیز از آنان جدا شده‌اند، در افزایش سهم خانوارهای تک نفره موثرند.

میزان خانوارهای دو نفره که تا سال ۱۳۷۰ حدود ۱۰ درصد بوده، در سال ۱۳۹۵ به ۲۰.۷ درصد رسیده است. افزایش زوجهای جوانی که هنوز فرزندی ندارند و یا زوجهایی که فرزندانشان مستقل شده و خانه را ترک کرده‌اند، یکی از دلایل سیر صعودی خانوارهای دو نفره است.

تعداد خانوارهای ۵ نفره و بیشتر که تا سال ۱۳۷۰ روند صعودی آهسته‌ای داشته و بیش از نیمی از خانوارهای کشور را تشکیل می‌داده‌اند، از سال ۱۳۷۰ به بعد به سرعت رو به کاهش گذاشته و از ۵۶.۶ درصد خانوارها در سال ۱۳۷۰ به ۱۴.۷ درصد خانوارها در سال ۱۳۹۵ کاهش یافته‌اند. کاهش نرخ باروری و خروج فرزندان بزرگ از خانواده اصلی به دلیل ازدواج، تحصیل و اشتغال، کاهش خانوارهای گسترده و کاهش خانوارهایی با سه فرزند و بیشتر، از اصلی‌ترین دلایل کاهش سهم خانوارهای ۵ نفره و بیشتر است.

درصد خانوارهای سه یا چهار نفره که تا سال ۱۳۷۰ ثابت و حدود ۲۹ درصد بود، در ۲۵ سال اخیر به سرعت افزایش یافته و به ۵۶.۱ درصد خانوارها در سال ۱۳۹۵ رسیده است. در واقع خانوارهای ۵ نفره و بیشتر جای خود را با خانوار ۳ یا ۴ نفره عوض کرده است. با توجه به آنکه عمده خانوارهای کشور، خانوارهای هسته‌ای شامل پدر، مادر و فرزندان هستند، اکنون خانوارهایی شامل پدر و مادر و یک یا دو فرزند بیش از نیمی از خانوارهای جامعه را تشکیل می‌دهند. البته خروج فرزندان بالغ از خانوار نیز در این امر موثر است.



مآخذ: نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن، مرکز آمار ایران

سرپرست خانوار

با توجه به آنکه در کشور ما نقش جنسیت در جایگاه و تقسیم وظایف در خانواده و جامعه بسیار پررنگ و غالب است، جنسیت سرپرست خانوار اهمیت ویژه‌ای دارد.

در قانون و فرهنگ کشور ما به صورت پیش فرض مردان سرپرست و نان‌آور خانوار در نظر گرفته می‌شوند. بدین دلیل نیز همه پسران از کودکی برای ورود به بازار کار آماده می‌شوند و شرایط عرفی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و قانونی نیز حامی آنان در این مسیر می‌باشد. دسترسی به منابع اقتصادی بیشتر، اولویت دادن هنگام استخدام، قانون ارث، جو مردانه حاکم بر بازار کار، آزادی‌ها و امنیت بیشتر اجتماعی و ... شرایط را برای آنکه مردان نقش تأمین درآمد را در خانواده به عهده گیرند، تسهیل می‌نماید. درحالی که چنین شرایطی برای زنان حاکم نمی‌باشد.

حال نگاهی می‌اندازیم به نتایج سه سرشماری ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ و خانوارها را از بعد جنسیت سرپرست خانوار مورد بررسی قرار می‌دهیم.

در سال ۱۳۸۵، از ۱۷۳۵۲۶۸۶ خانوار معمولی، ۱۶۴۱۰۴۴ خانوار زن سرپرست بوده‌اند. بیش از یک میلیون نفر از این زنان غیر از خودسرپرستی افراد دیگری را هم عهده‌دار بوده‌اند. ۹۰۰ هزار نفر از زنان سرپرست خانوار، زیر ۶۰ سال بوده‌اند.

در سال ۱۳۹۰، از ۲۱۱۱۰۴۸۱ خانوار معمولی، ۲۵۴۸۰۷۲ خانوار زن سرپرست بوده‌اند. حدود ۱.۵ میلیون نفر از این زنان علاوه بر خود سرپرستی کسان دیگری را نیز عهده‌دار بوده‌اند و حدود ۱.۳ میلیون نفر از آنان زیر ۶۰ سال سن داشته‌اند.

در سال ۱۳۹۵، از ۲۴۱۲۹۴۹۰ خانوار معمولی، ۳۰۶۱۷۵۳ خانوار زن سرپرست بوده‌اند. همچنین حدود ۱.۷ میلیون نفر از این زنان علاوه بر خود سرپرستی کسان دیگری را نیز عهده‌دار بوده‌اند و حدود ۱.۶ میلیون نفر از آنان زیر ۶۰ سال سن داشته‌اند.

در دوره ده ساله ۱۳۷۵-۱۳۸۵، تعداد خانوارهای زن سرپرست حدود ۶۰ درصد افزایش یافته و سهم آنان از کل خانوارهای کشور نیز از ۸.۴ درصد به ۹.۵ درصد رسیده بود.

در دوره ۵ ساله ۱۳۹۰-۱۳۸۵، تعداد خانوارهای زن سرپرست بیش از ۵۵ درصد افزایش یافت و سهم آنان از کل خانوارهای کشور نیز از ۹.۵ درصد به ۱۲.۱ درصد رسید، که نسبت به دهه‌های پیش رشد بی‌سابقه‌ای را نشان می‌دهد.

در دوره ۵ ساله ۱۳۹۵-۱۳۹۰، تعداد خانوارهای زن سرپرست بیش از ۲۰ درصد افزایش یافت و سهم آنان از کل خانوارهای کشور نیز از ۱۲.۱ درصد به ۱۲.۷ درصد رسید، که نشانگر کاهش رشد خانوارهای زن سرپرست در این دوره نسبت به دوره قبل است. ولی همچنان تعداد و سهم خانوارهای زن سرپرست رو به افزایش است.

در سال ۱۳۹۵، ۴۴.۴ درصد خانوارهای زن سرپرست، تک نفره، ۴۴.۲ درصد ۲ یا سه نفره و حدود ۱۰ درصد خانوارهای زن سرپرست ۴ نفره و بیشتر بوده‌اند. با افزایش سن سرپرست خانوار، سهم خانوارهای زن سرپرست افزایش می‌یابد. در بین سرپرستهای خانوار ۷۴-۵۵ ساله، بیش از ۱۰ درصد خانوارها و در سنین بیش از ۷۵ سال، ۱۷.۷ درصد خانوارها، زن

سرپرست هستند. بطور کلی، حدود ۷۰ درصد زنان سرپرست خانوار بیش از ۵۰ سال سن دارند و بیش از یک میلیون زن ۵۵ ساله به بالا به تنهایی زندگی می کنند.

عوامل مختلفی بر تعداد خانوارهای زن سرپرست مؤثر است. بالاتر بودن امید زندگی زنان و پایین تر بودن سن زنان نسبت به همسرانشان، در کنار احتمال ضعیف ازدواج مجدد زنان بیوه، موجب افزایش تعداد زنان بیوه سرپرست خانوار می گردد. بالا رفتن نرخ طلاق و افزایش زنان مطلقه و احتمال پایین ازدواج مجدد این زنان، بالا رفتن سن ازدواج و افزایش تعداد زنانی که ازدواج نمی کنند، انواع آسیب‌ها و جرم‌های اجتماعی که منجر می شود مردان خانواده نتوانند نقش خود را ایفا کنند و در نتیجه زنان سرپرستی خانوار را به عهده می گیرند. این عوامل همگی در طول زمان تشدید شده‌اند و انتظار می رود در سالهای آینده نیز روند صعودی طی نمایند. بنابراین همچنان شاهد افزایش تعداد و سهم خانوارهای زن سرپرست در آینده خواهیم بود.

تحقیقات نشان می دهد که خانوارهای زن سرپرست با احتمال بیشتری زیر خط فقر قرار می گیرند. با توجه به پایین بودن نرخ مشارکت اقتصادی زنان در ایران و دستیابی کمتر آنان به سرمایه، به علت فقر اقتصادی انواع آسیب‌های اجتماعی زندگی این زنان و افراد تحت تکفل آنان را تهدید می نماید.

باتوجه به این نتایج توصیه می شود، حمایت های اجتماعی و مالی از زنان سالمندی که به تنهایی زندگی می کنند و از نظر مالی نیز در مضیقه هستند، افزایش یابد. علاوه بر این، با افزایش فرصتهای اشتغال برای زنان جوانتر جویای کار و تغییر در قوانین ارث، از احتمال نیازمندی و آسیب پذیری زنان در آینده (بخصوص اگر به ناچار سرپرست خانوار شوند)، کاسته شود.

شهرنشینی

ایران به عنوان یک کشور در حال توسعه طی دهه‌های گذشته به شدت متأثر از رشد شهرنشینی بوده است. قریب به اتفاق نظریات مرتبط با شهرنشینی نشان می‌دهد که افزایش جمعیت مجموعه شهرها از چهار عامل نشأت می‌گیرد: اول افزایش طبیعی جمعیت مقیم شهر (تفاضل موالید و مرگ و میر)، دوم خالص مهاجرت روستا به شهر، سوم ادغام حومه‌ها و اقمار شهری به محدوده شهرها و چهارم تبدیل نقاط روستایی به شهر. دلایل افزایش نسبت جمعیت شهری کشور در دهه‌های اخیر نیز علل یاد شده بوده است.

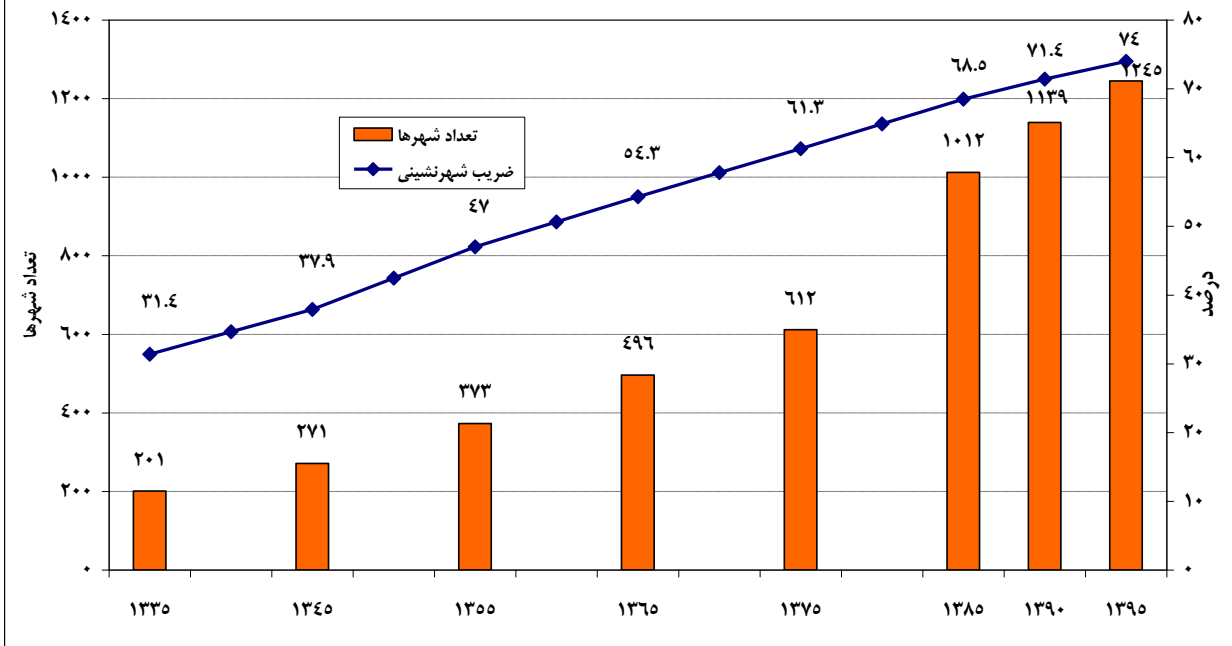
براساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، جمعیت شهرنشین کشور، ۵۹.۱۵ میلیون نفر و جمعیت روستانشین و غیرساکن ۲۰.۷۸ میلیون نفر بوده است. در امتداد افزایش میزان شهرنشینی در دهه‌های گذشته، تعداد جمعیت شهرنشین کشور طی دوره ۵ ساله ۱۳۹۵-۱۳۹۰ نیز ۵.۵۵ میلیون نفر افزایش یافته و ضریب شهرنشینی نیز از ۷۱.۴ درصد به ۷۴ درصد رسیده است. متوسط نرخ رشد سالانه جمعیت شهرنشین در این دوره ۱.۹۷ درصد بوده است. در حالی که نرخ رشد جمعیت روستانشین و غیرساکن ۰.۷۳- درصد بوده و در این دوره ۵ ساله بیش از ۷۰۰ هزار نفر از جمعیت آنها کاسته شده است.

یکی از دلایل افزایش جمعیت شهرنشین و ضریب شهرنشینی در کشور، تبدیل شدن روستاها به شهر و پیدایش شهرهای جدید است که در دوره‌های گذشته بیشترین تاثیر را بر افزایش ضریب شهرنشینی داشته است. تعداد نقاط شهری کشور از ۱۱۳۹ نقطه در سال ۱۳۹۰ به ۱۲۴۵ نقطه شهری در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است. بر اساس آمار مهاجرت سرشماری‌ها، از سال ۱۳۸۵ به بعد، مهاجرت روستا به شهر اثری بر افزایش ضریب شهرنشینی نداشته است. پرجمعیت‌ترین شهرهای کشور با بیش از یک میلیون نفر جمعیت در سال ۱۳۹۵ به ترتیب تهران، مشهد، اصفهان، کرج، شیراز، تبریز، قم و اهواز بوده‌اند. این ۸ کلان شهر در مجموع با حدود ۲۱ میلیون نفر جمعیت، ۲۶ درصد جمعیت کشور را در خود جای داده‌اند. کرمانشاه نیز با حدود ۹۵۰ هزار نفر جمعیت در حال تبدیل شدن به یک کلان شهر است.

نمودار ۵ تغییرات ضریب شهرنشینی و تعداد شهرها را در دوره ۶۰ ساله ۱۳۹۵-۱۳۳۵ نشان می‌دهد. در دوره ۶۰ ساله فوق، تعداد شهرها بیش از ۶ برابر و ضریب شهرنشینی بیش از ۲ برابر شده است. ضریب شهرنشینی از ۳۱.۴ درصد در سال ۱۳۳۵ در یک روند صعودی، ۵۰ درصد را در سال ۱۳۶۰، رد نموده و به ۷۴ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده است. تعداد شهرها نیز در این مدت از ۲۰۱ به ۱۲۴۵ شهر افزایش یافته است.

نسبت جنسی جمعیت (تعداد مردان در برابر ۱۰۰ زن) در سال ۱۳۹۵ در کل کشور برابر ۱۰۲.۷، در شهرها ۱۰۱.۸ و در روستاها ۱۰۵.۳ بوده است. با آنکه انتظار می‌رود با مهاجرت مردان روستایی به شهرها، نسبت جنسی در شهرها بیشتر از روستاها باشد، نتایج سرشماری عکس این را نشان می‌دهد.

نمودار ۵- روند تغییرات ضریب شهرنشینی و تعداد شهرها در دوره ۱۳۳۵ - ۱۳۹۵



مأخذ: نتایج سرشماری های عمومی نفوس و مسکن ، مرکز آمار ایران

ترکیب سنی و جنسی جمعیت در شهر و روستا

برای مقایسه ساختار سنی جمعیت در نقاط شهری و روستایی به نمودار ۶ که سهم جمعیت گروه های سنی را از کل جمعیت در شهر و روستا در سال ۱۳۹۵ نشان می دهد، نگاهی می اندازیم.

سهم نسبی جمعیت در تمامی گروه های سنی زیر ۲۵ سال در مناطق روستایی بالاتر از مناطق شهری است. به گونه ای که ۴۲.۹ درصد جمعیت مناطق روستایی و ۳۷.۴ درصد جمعیت مناطق شهری در سنین زیر ۲۵ سال قرار دارند. این امر نشانگر بالاتر بودن نرخ باروری در مناطق روستایی نسبت به مناطق شهری طی ۲۵ سال گذشته است.

بر اساس نتایج سرشماری ۱۳۹۵، جمعیت ۴-۰ ساله روستایی با جمعیت ۲۹-۲۵ ساله روستایی (۲.۱ میلیون نفر) برابر شده و بیشترین حجم را در بین گروه های سنی جمعیت روستایی دارا هستند. هر یک از این دو گروه سنی ۱۰.۱ درصد جمعیت روستایی را تشکیل می دهند. به عبارت دیگر، حجم جمعیت پایه هرم سنی یا متولدین دوره ۹۵-۱۳۹۰، در روستاها بسیار افزایش یافته و به اندازه بازماندگان روستایی متولدین سالهای ۷۰-۱۳۶۵ که سالهای اوج موالید بوده، رسیده است.

بر اساس نتایج سرشماری های قبلی، چون حجم مهاجران در دهه سنی بیست سالگی در بالاترین میزان قرار دارد، جمعیت زیر ۲۰ ساله کمتر تحت تاثیر جریان های مهاجرتی روستا به شهر قرار گرفته اند. آنچه که در ۱۰ سال اخیر جلب توجه می کند آن است که در سال ۱۳۸۵ سهم گروه سنی ۲۴-۲۰ ساله شهری اندکی بیشتر از روستایی بوده است. ولی در سالهای ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ این وضعیت برعکس شده و گویی از میزان مهاجرت این گروه سنی به شهرها کاسته شده است. شاید مهاجرت جوانان شهری برای انجام خدمت وظیفه، به روستاها و یا مهاجرت معکوس شهر به روستا پس از اتمام تحصیل یا پایان خدمت، در این امر موثر بوده باشد.

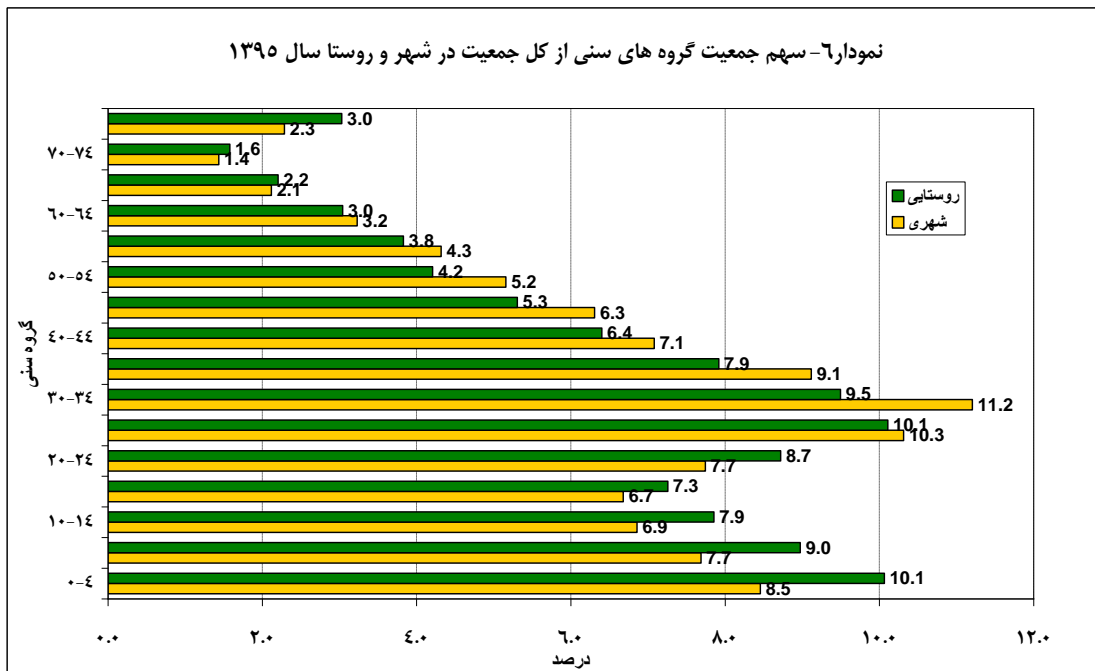
سهم نسبی جمعیت در تمامی گروه های سنی ۲۵ تا ۶۴ ساله (بخصوص ۵۴-۳۰ ساله) در مناطق شهری بالاتر از مناطق روستایی است. به گونه ای که ۵۶.۷ درصد جمعیت شهری و ۵۰.۳ درصد جمعیت روستایی در سنین ۶۴-۲۵ سالگی، یا سنین اوج فعالیت اقتصادی، قرار دارند. این موضوع به دلیل مهاجرت جوانان روستایی به شهرها در چند دهه گذشته رخ داده است.

سهم جمعیت ۶۵ ساله به بالا، در نقاط شهری ۵.۸ درصد و در نقاط روستایی ۶.۸ درصد بوده است.

نتایج سرشماری های قبلی نشان می دهد که مهاجرت اغلب در دهه سنی ۲۰ سالگی شدت می گیرد و از دهه ۱۳۴۰ مهاجرت پررنگ تر شده است. بنابراین جمعیت بالای ۶۵ سال کمتر در معرض مهاجرت بوده اند. علاوه بر این، برخی از مهاجران روستا به شهر نیز احتمالاً در دوران پیری به زادگاه خود باز می گردند. این عوامل موجب شده است که سهم جمعیت سالخورده در مناطق روستایی بیش از مناطق شهری گردد. البته باید به این نکته نیز توجه داشت که با خروج

بخشی از جمعیت جوان و میانسال از مناطق روستایی، کل جمعیت روستایی کاهش یافته و بدون هیچگونه تغییری در جمعیت دیگر گروه های سنی، سهم جمعیت کودک و سالخورده که کمتر در معرض مهاجرت بوده اند، افزایش می یابد. در مجموع می توان گفت سهم جمعیت روستایی در گروه های سنی پایین (کودکان و نوجوانان) و گروه های سنی بالا (سالخوردگان) بیشتر از مناطق شهری است و بالعکس سهم جمعیت جوان و میانسال واقع در سن فعالیت در مناطق شهری، بالاتر از مناطق روستایی است. این امر باعث سالخوردگی جمعیت فعال و نیروی کار شاغل در بخش کشاورزی و روستایی شده است.

با محاسبه نسبت وابستگی (نسبت جمعیت زیر ۱۵ سال و بالای ۶۵ سال به جمعیت ۱۵-۶۴ ساله) در سال ۱۳۹۵ به تفکیک شهر و روستا مشاهده می گردد که نسبت وابستگی در شهرها ۴۰.۵ درصد و در روستاها ۵۰.۸ درصد بوده است. با فراتر رفتن نسبت وابستگی از ۵۰ درصد در روستاها، فرصت پنجره جمعیتی در روستاها به پایان رسیده است. با توجه به آنکه تفاوت سهم جمعیت بالای ۶۵ سال در شهر و روستا تنها یک درصد است، و این تفاوت برای جمعیت زیر ۱۵ سال بین شهر و روستا ۴ درصد است، بنا بر این بالا بودن و افزایش مولید و نرخ باروری در روستاها در سالهای اخیر عامل مهمی در افزایش نسبت وابستگی در روستاها و به پایان رسیدن فرصت پنجره جمعیتی در مناطق روستایی بوده است.



مأخذ: نتایج سرشماری های عمومی نفوس و مسکن ، مرکز آمار ایران

اکثریت قریب به اتفاق مطالعات (نظریات آندو و مودیگیلیانی) تایید می کند که گروه های سنی جوان (کودک) و مسن، اثر منفی روی تابع پس انداز، و گروه های سنی میانسال اثر مثبت روی تابع پس انداز دارند. به عبارتی رابطه بین بار تکفل

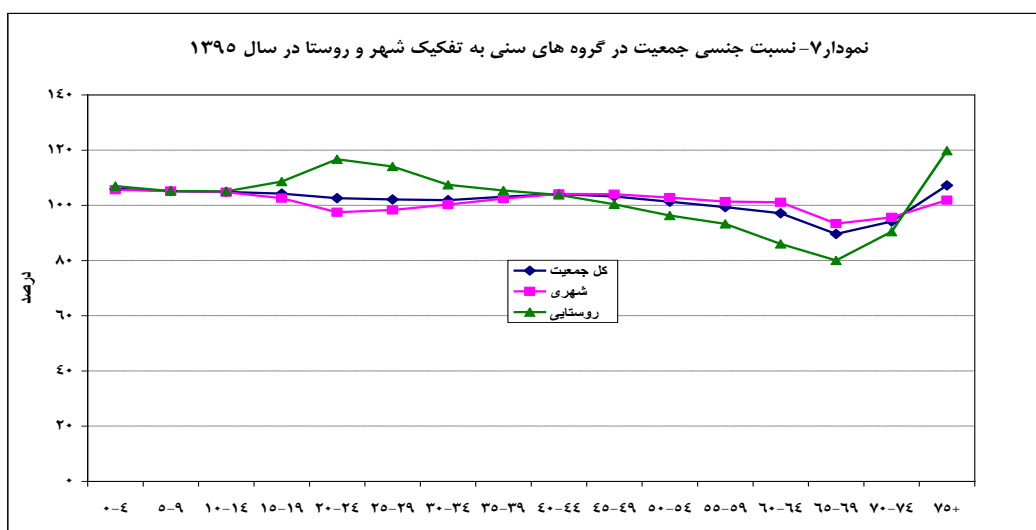
جوانان و پیران با میزان پس انداز در جامعه و در نتیجه با رشد سرمایه گذاری و رشد اقتصادی منفی است. چون با افزایش بار تکفل، هزینه های مصرفی خانوار بالا رفته و بنیه اقتصادی بالقوه برای پس انداز کاهش می یابد. بنابراین، ساختار سنی جمعیت در مناطق روستایی که از باروری بالا و مهاجرت جوانان به شهر ناشی می شود، تاثیر منفی بر پس انداز و رشد اقتصادی مناطق روستایی دارد.

نسبت جنسی جمعیت در شهر و روستا

در سال ۱۳۹۵، ۵۰.۷ درصد جمعیت کشور را مردان و ۴۹.۳ درصد را زنان تشکیل داده اند و نسبت جنسی جمعیت در این سال ۱۰۲.۷ درصد بوده است. نسبت جنسی جمعیت کشور که نشانگر تعداد مردان به ازای هر یک صد نفر جمعیت زنان است از ۱۰۳.۶ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۱۰۱.۸ درصد در سال ۱۳۹۰ کاهش یافته که کاهشی قابل توجه در یک دوره ۵ ساله است. ولی در سال ۱۳۹۵ مجدداً افزایش یافته و به ۱۰۲.۷ درصد رسیده است. بالاتر بودن نسبت جنسی به معنای جمعیت بیشتر مردان در یک گروه سنی، در منطقه مورد نظر است.

نسبت جنسی موالید ثبت شده بین ۱۰۵ تا ۱۰۶ درصد است. با گذشت سن، به دلیل مرگ و میر بیشتر پسران نسبت به دختران، جمعیت دختران و پسران به هم نزدیک شده و نسبت جنسی جمعیت کل کشور در سنین ۲۰ سالگی نزدیک به ۱۰۰ می شود.

آنچه که در نمودار ۷ جلب توجه می کند، افزایش نسبت جنسی جمعیت در سنین ۳۴-۲۰ سالگی در مناطق روستایی نسبت به مناطق شهری است. در حالی که انتظار می رود در این سنین به دلیل مهاجرت بیشتر مردان روستایی برای تحصیل و کار به شهرها، نسبت جنسی مناطق روستایی کمتر از شهرها باشد. افزایش نسبت جنسی در این سنین در روستاها از سال ۱۳۹۰ آغاز شده و در سال ۱۳۹۵ شدت گرفته است.



مأخذ: نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، مرکز آمار ایران.

از دلایل این امر می توان به :

۱- مهاجرت مردان شهری به مناطق روستایی برای انجام خدمت وظیفه

۲- مهاجرت زنان روستایی به شهرها برای ازدواج

۳- مهاجرت بیشتر زنان روستایی نسبت به مردان روستایی برای ادامه تحصیل در شهرها

۴- مهاجرت معکوس از شهر به روستا

۵- مشکل کم شماری در سرشماری در این سنین و ... اشاره کرد.

در سنین ۳۴-۱۵ سالگی، نسبت جنسی جمعیت در کل کشور نیز اندکی کاهش نشان می دهد. از عوامل موثر بر این امر می توان به مرگ و میر بالاتر مردان نسبت به زنان و مهاجرت بیشتر مردان جوان نسبت به دختران، به خارج از کشور اشاره نمود.

نکته دیگر در این نمودار، کاهش قابل توجه نسبت جنسی جمعیت ۶۹-۴۰ ساله در مناطق روستایی است. گرچه در مناطق شهری هم در سنین ۶۰ سالگی، این روند به صورت کمرنگتر دیده می شود. یکی از عوامل مشترک این کاهش در شهر و روستا، بالاتر بودن امید زندگی زنان نسبت به مردان در کشور است. ولی عامل اصلی کاهش نسبت جنسی در این سنین در مناطق روستایی، مهاجرت پررنگ مردان روستایی به مناطق شهری تا دهه ۶۰ است. بر اساس نتایج سرشماری ها، مهاجرت روستاییان به شهرها از دهه ۷۰ به بعد کاهش یافته است. نسبت جنسی جمعیت از سنین ۷۰ سالگی به بعد بخصوص در مناطق روستایی، افزایش بسیاری نشان می دهد. از دلایل این امر می توان به:

۱- مهاجرت کمتر مردان روستایی به شهرها، قبل از دهه ۴۰ شمسی

۲- کم شماری جمعیت زنان روستایی سالمند در سرشماری

۳- مرگ و میر بالای زنان (مادران) در دهه های گذشته، اشاره کرد.

وضع زناشویی

وضع زناشویی از جمله مولفه‌های اجتماعی است که روند تحولات آن در جوامع گوناگون بسیار متفاوت است. این تفاوت‌ها عمدتاً از آداب و رسوم و سنن فرهنگی، گرایش‌های مذهبی و بافت اجتماعی هر جامعه ناشی می‌شود. اطلاعات این موضوع در اغلب کشورهای جهان به طریق مثبتی و حتی آمارگیری قابل حصول است. ضمن اینکه سازمان ملل توصیه می‌کند که آمارهای ازدواج و طلاق به روشهای مثبتی جمع‌آوری شود.

در سرشماری‌ها و آمارگیری‌های نمونه‌ای ایران، افراد ده ساله و بیشتر، از نظر وضع زناشویی به چهار گروه تقسیم می‌شوند:

۱. دارای همسر (متاهل) ۲. بی همسر بر اثر فوت همسر (بیوه)

۳. بی همسر بر اثر طلاق (مطلقه) ۴. هرگز ازدواج نکرده (مجرد)

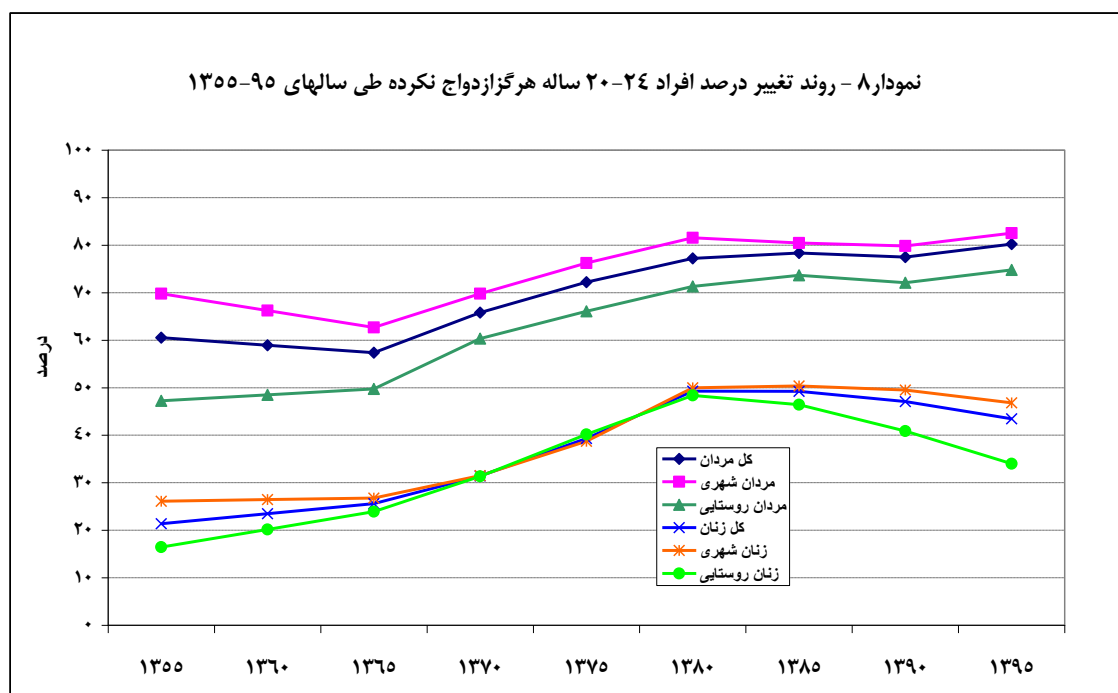
بررسی روند تغییر در صد افراد واقع در هر یک از این وضعیت‌ها در گروه‌های سنی و جنسی، در طول زمان، تصویر روشنی از تغییرات وضع زناشویی در جامعه ارائه می‌نماید.

لازم به توضیح است که صرفاً بررسی روند تغییر درصد افراد واقع در هر یک از این طبقه‌بندی‌ها در کل جمعیت، می‌تواند منجر به استنتاجات غلط گردد. چون وضع زناشویی رابطه تنگاتنگی با متغیر سن دارد. بطور مثال افزایش نسبی جمعیت جوان یا ۱۹-۱۰ ساله، درصد مجردین را در کل جمعیت بالای ۱۰ سال، افزایش می‌دهد و افزایش نسبی جمعیت سالخورده، سهم افراد بیوه را می‌افزاید. چون شکل هرم سنی - جنسی جمعیت کشور در دهه‌های گذشته تغییرات قابل توجهی داشته و سهم افراد واقع در سنین جوانی، میانسالی و سالمندی در حال دگرگونی بوده است، مقایسه سهم نسبی کل افراد متاهل، بیوه، مطلقه و یا مجرد در سال‌های مختلف با یکدیگر، می‌تواند به برداشت خطا از وضعیت واقعی جامعه منتهی شود.

روند تغییر درصد افراد ۲۰-۳۹ ساله هرگز ازدواج نکرده

نمودارهای ۸ تا ۱۱ به ترتیب روند تغییر درصد مردان و زنان ۲۰-۲۴، ۲۵-۲۹، ۳۰-۳۴، ۳۵-۳۹ ساله هرگز ازدواج نکرده را در مناطق شهری و روستایی طی سالهای ۹۵-۱۳۵۵ نشان می‌دهد. در زیر به نکات برجسته این نمودارها اشاره می‌نماییم.

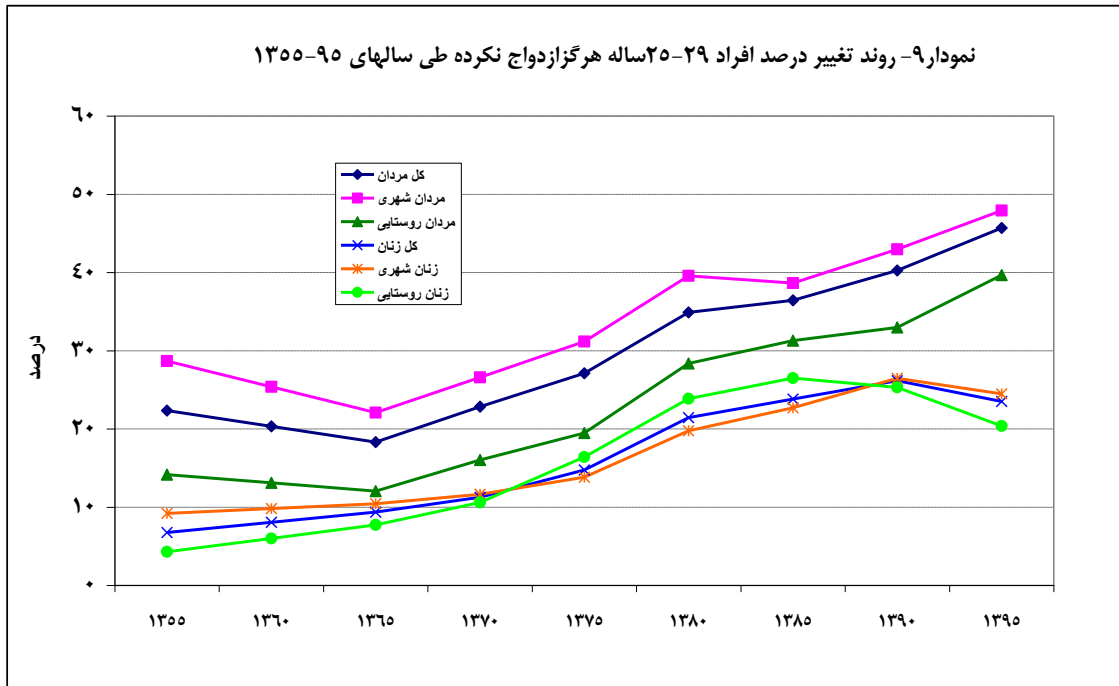
با توجه به نمودار ۸ مشاهده می‌گردد که درصد افراد ازدواج نکرده در گروه سنی ۲۰-۲۴ ساله از سال ۱۳۶۵ رو به افزایش می‌گذارد. در سال ۱۳۶۵ حدود ۲۶ درصد زنان و ۵۷ درصد مردان در این سن ازدواج نکرده بوده‌اند. این نسبت در سال ۱۳۸۵ به ۴۹ درصد زنان و ۷۸ درصد مردان افزایش یافت. ولی با تغییر جهت عدم تعادل جنسیتی افراد واقع در سن ازدواج (تغییر مضیقه ازدواج از زنان به مردان)، شاهد کاهش میزان تجرد زنان و افزایش اندک میزان تجرد مردان این گروه سنی در سال ۱۳۹۵ به ۴۳ و ۸۰ درصد هستیم. میزان تجرد زنان روستایی در این سنین با کاهشی قابل توجه به ۳۴ درصد رسیده است.



مأخذ: نتایج سرشماری های عمومی نفوس و مسکن، مرکز آمار ایران

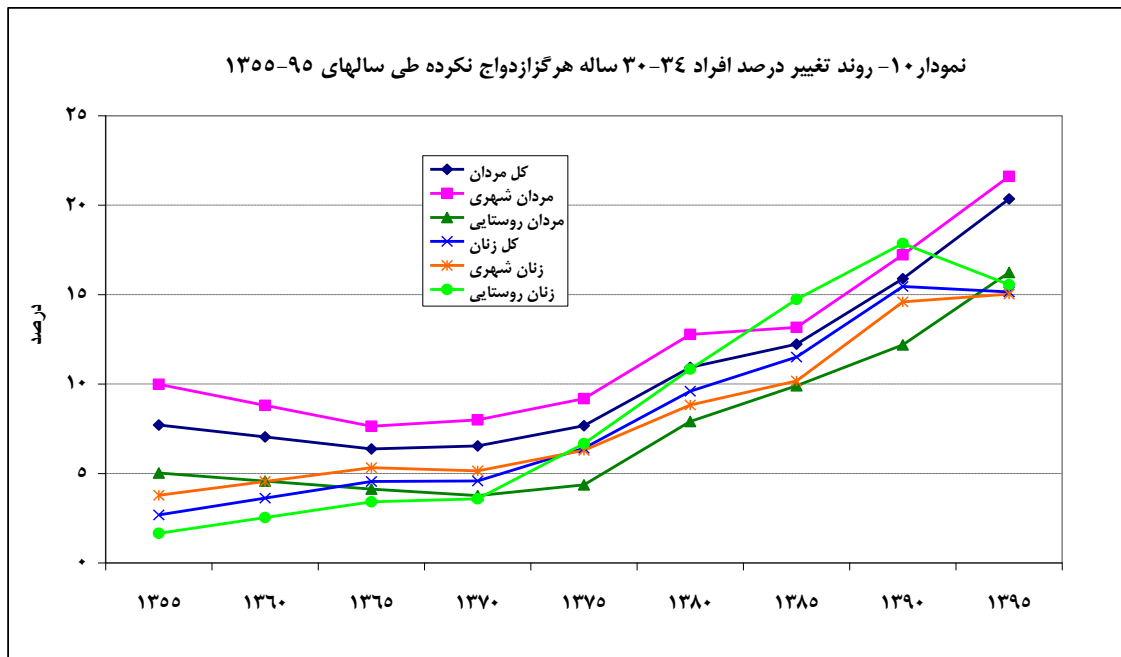
در نمودار ۹ مشاهده می‌گردد که در گروه سنی ۲۵-۲۹ ساله نیز از سال ۱۳۶۵ به بعد شاهد افزایش درصد افراد ازدواج نکرده هستیم. درصد مردان ازدواج نکرده در این گروه سنی از ۱۸.۳ درصد در سال ۱۳۶۵، به ۴۵.۷ درصد در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است. میزان تجرد زنان در این گروه سنی نیز از ۹.۴ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۲۶.۲ درصد تا سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است. ولی پس از آن به دلیل تغییر جهت مضیقه ازدواج از زنان به مردان، به ۲۳.۵ درصد در سال ۱۳۹۵

کاهش می یابد. میزان تجرد زنان روستایی این گروه سنی نیز که تا سال ۱۳۸۰ روند افزایشی داشته، از سال ۱۳۸۵ به بعد به سرعت کاهش یافته و از ۲۶.۵ درصد به ۲۰.۴ درصد در سال ۱۳۹۵ می رسد. میزان تجرد زنان روستایی در این گروه سنی که در دوره ۸۵-۱۳۷۵ به دلیل مزیقه ازدواج بیشتر زنان روستایی نسبت به زنان شهری (تحت تاثیر مهاجرت مردان روستایی جهت کار یا تحصیل به شهرها و ازدواج و ماندگاری آنان در آنجا و در نتیجه کاهش نسبت جنسی و فرصتهای ازدواج در روستاها)، از میزان تجرد زنان شهری پیشی گرفته بود، از سال ۱۳۹۰ به بعد با تغییر جهت مزیقه ازدواج از زنان به مردان، دوباره کمتر از زنان شهری شده است.



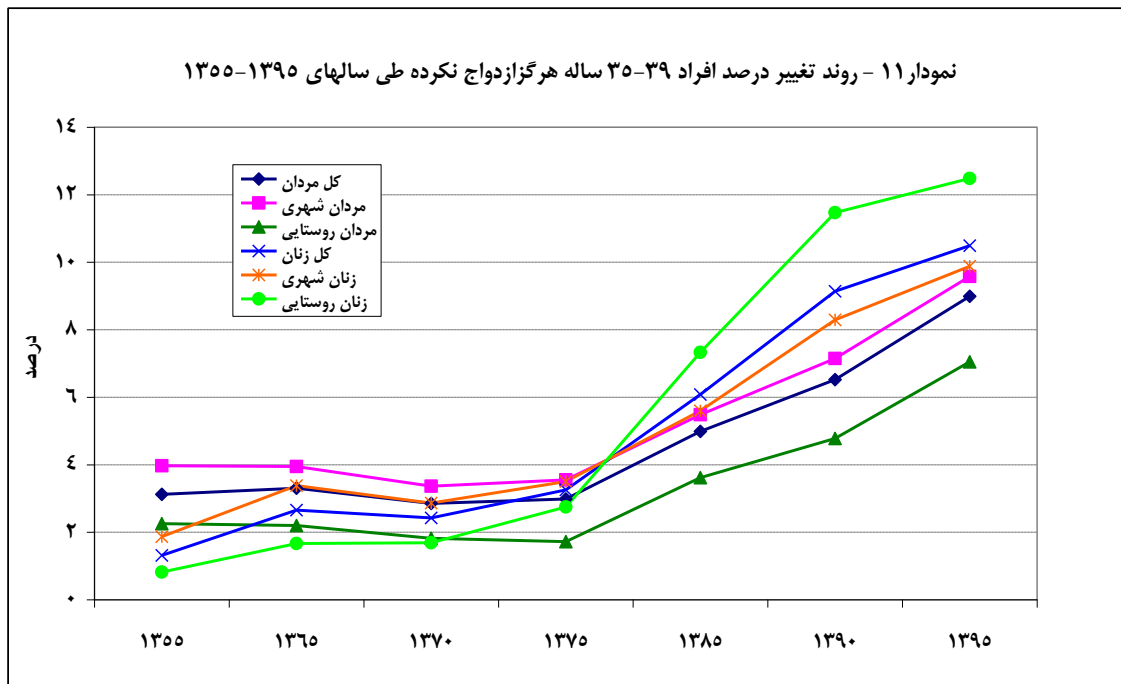
مآخذ: نتایج سرشماری های عمومی نفوس و مسکن ، مرکز آمار ایران

نمودار ۱۰ نشان می دهد که درصد افراد هرگز ازدواج نکرده در سنین ۳۴-۳۰ سالگی نیز از سال ۱۳۷۰ به بعد روند صعودی یافته و در سال ۱۳۹۰ حدود ۳ برابر شده است. بخصوص درصد زنان مجرد روستایی در این مدت رشد قابل ملاحظه ای پیدا کرده و از ۳.۶ درصد در سال ۱۳۷۰ به ۱۷.۹ درصد در سال ۱۳۹۰ رسیده است که ۱.۵ برابر میزان تجرد مردان روستایی در این سن می باشد. ولی نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵ نشانگر آن است که گرچه روند تجرد مردان این گروه سنی همچنان صعودی است، ولی به دلیل تغییر جهت مزیقه ازدواج، روند تجرد زنان روستایی در این گروه سنی به سرعت کاهش یافته و به تبع آن روند تجرد کل زنان این گروه سنی نیز اندکی کاهش نشان می دهد.



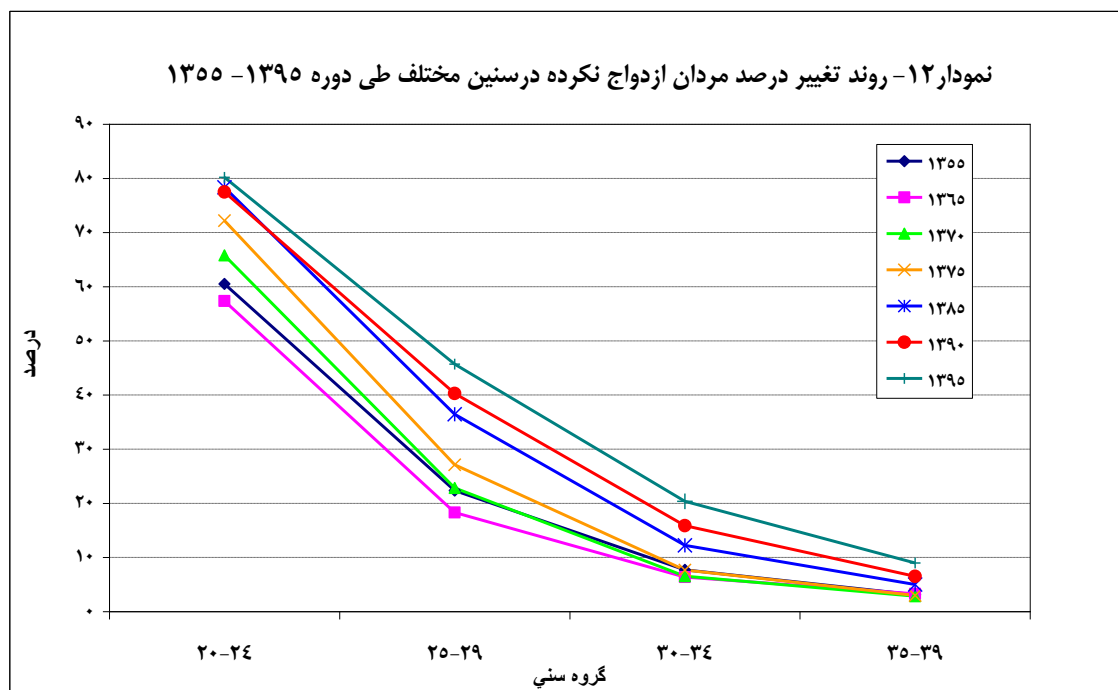
مأخذ: نتایج سرشماری های عمومی نفوس و مسکن ، مرکز آمار ایران

درصد افراد هرگز ازدواج نکرده در گروه سنی ۳۵-۳۹ ساله از سال ۱۳۷۵ به بعد برای همه مردان و زنان روستایی و شهری افزایش یافته و حتی در بین زنان بیشتر از مردان شده است. این میزان برای زنان روستایی از ۱.۷ درصد در سال ۱۳۷۰ به ۱۲.۵ درصد در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته و حتی از میزان مجرد زنان و مردان شهری نیز پیشی گرفته است. دلیل این امر نیز وجود مضیقه ازدواج بالا برای زنان متولد دهه ۶۰ است.(نمودار ۱۱)



مأخذ: نتایج سرشماری های عمومی نفوس و مسکن ، مرکز آمار ایران

درصد زنان ازدواج نکرده ۱۹-۱۵ ساله نیز که از ۶۴.۳ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۸۲.۳ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته بود، در سال ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ مجدد روند کاهشی گرفته و به ۷۸.۵ درصد رسیده است. نمودارهای شماره ۱۲ و ۱۳ نیز منعکس کننده رشد مجرد از سال ۱۳۵۵ به بعد در بین مردان و زنان است. با توجه به روند تغییرات، پیش‌بینی می‌گردد در سالهای آتی همچنان بر درصد مردان و زنان بالای ۳۰ سال ازدواج نکرده افزوده گردد و در نتیجه باید در دهه‌های بعدی منتظر کاهش میزان عمومیت ازدواج در کشور باشیم.

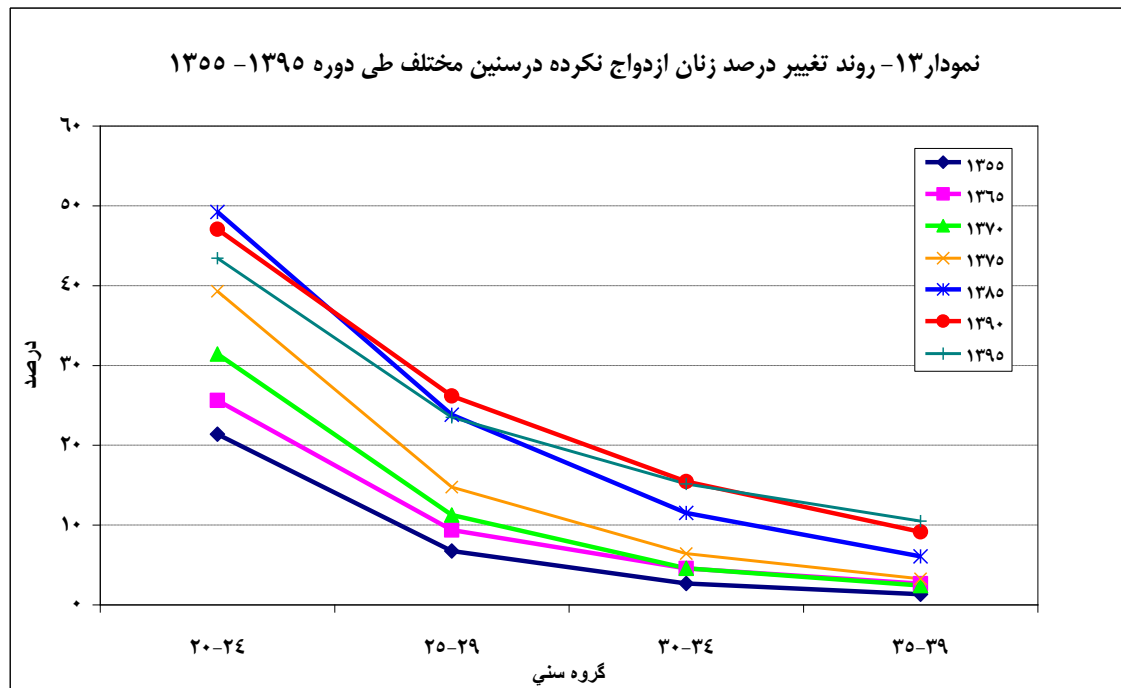


مأخذ: نتایج سرشماری های عمومی نفوس و مسکن ، مرکز آمار ایران

میزان مجرد مردان در همه گروه های سنی ۲۰-۳۹ ساله در دوره ۹۵-۱۳۵۵ افزایش یافته است. ولی تنها ۹ درصد مردان در سنین ۳۹-۳۵ سالگی هنوز ازدواج نکرده اند.

میزان مجرد زنان نیز در تمامی گروه های سنی ۲۰-۳۹ ساله در دوره ۸۵-۱۳۵۵ روند افزایشی داشته است. ولی با تغییر جهت مضیقه ازدواج و عکس العمل مردم به افزایش مجرد در زنان، شاهد کاهش میزان مجرد در زنان ۲۴-۲۰ ساله از ۱۳۹۰ به بعد، و کاهش میزان مجرد زنان ۲۹-۲۵ ساله در سال ۱۳۹۵ هستیم. در حالی که افزایش میزان مجرد زنان در گروه های سنی بالاتر همچنان تا سال ۱۳۹۵ ادامه دارد. انتظار می‌رود در سرشماری های بعدی، کاهش نرخ مجرد زنان در گروه های سنی بالاتر نیز دیده شود.

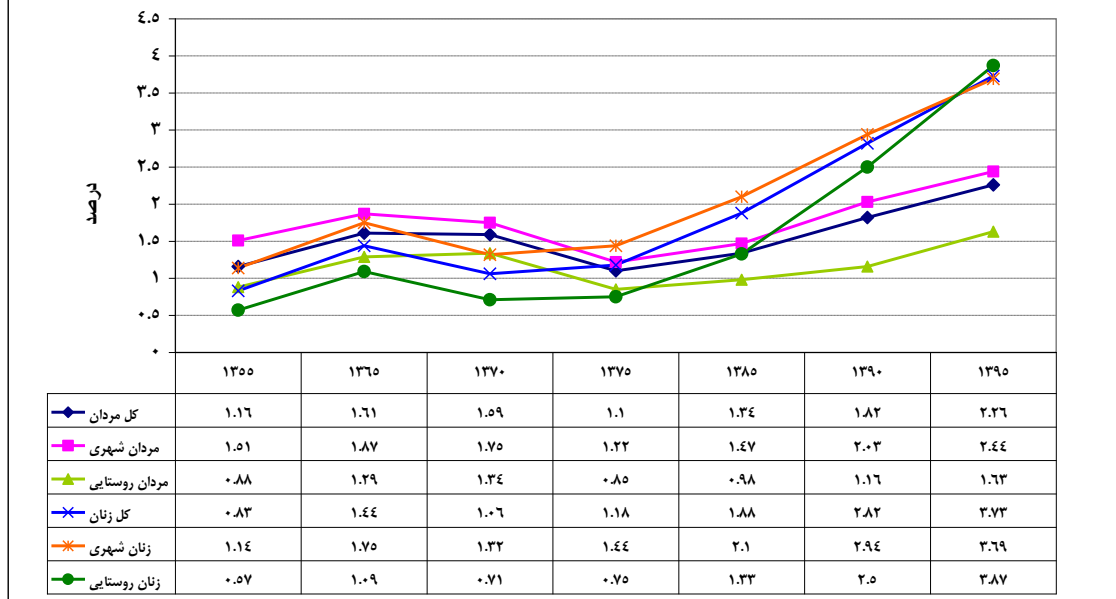
در سال ۱۳۹۵ حدود ۱۰.۵ درصد زنان ۳۹-۳۵ ساله، ازدواج نکرده بوده اند. این روند نشانگر ادامه روند افزایشی مجرد قطعی، در سالهای آینده است.



مأخذ: نتایج سرشماری های عمومی نفوس و مسکن ، مرکز آمار ایران

نمودار ۱۴ روند تغییرات میزان مجرد قطعی را در دوره ۹۵-۱۳۵۵ برای مردان و زنان به تفکیک شهری و روستایی نشان می دهد. مجرد قطعی میانگین میزان مجرد در دو گروه سنی ۴۹-۴۵ ساله و ۵۴-۵۰ ساله است. میزان مجرد قطعی از سال ۱۳۷۵ برای زنان و مردان در شهر و روستا، روند صعودی گرفته و تا سال ۱۳۹۵ برای زنان حدود ۳ برابر و برای مردان حدود ۲ برابر شده است. در سال ۱۳۹۵ زنان روستایی با ۳.۹ درصد بالاترین میزان مجرد قطعی را داشته اند و پس از آن زنان شهری با ۳.۷ درصد مجرد قطعی قرار دارند. میزان مجرد قطعی مردان در سال ۱۳۹۵ برابر ۲.۳ درصد بوده است. بر اساس شواهد و روند افزایشی مجرد زنان ۳۹-۳۵ ساله و احتمال پایین ازدواج زنان در سنین ۴۰ سالگی به بالا، انتظار می رود میزان مجرد قطعی زنان تا ده سال آینده به حدود ۷ الی ۱۰ درصد برسد.

نمودار ۱۴- روند تغییرات میزان تجرد قطعی طی دوره ۱۳۵۵-۱۳۹۵



مأخذ: نتایج سرشماری های عمومی نفوس و مسکن ، مرکز آمار ایران

عدم تعادل جنسیتی در جمعیت واقع در سنین ازدواج (مضيقه ازدواج)

یکی از تغییرات مهم جمعیتی در دهه‌های گذشته افزایش بیشتر میزان مجرد در بین دختران نسبت به پسران بوده است. دلیل اصلی این امر عدم تعادل جنسیتی در جمعیت واقع در سنین ازدواج (مضيقه ازدواج) و یک پدیده جمعیتی است. این موضوع از رشد قابل توجه جمعیت در سالهای ۶۳-۱۳۵۸ و وجود اختلاف سن بین زوجین هنگام ازدواج نشأت می‌گیرد. بطور مثال اگر متوسط تفاوت سنی زوجین را ۵ سال در نظر بگیریم، انتظار می‌رود دختران متولد شده در سالهای ۶۳-۱۳۵۸ اغلب با پسران متولد سالهای ۵۸-۱۳۵۳ ازدواج نمایند. به دلیل افزایش قابل توجه میزان مولید در سالهای اولیه بعد از انقلاب، در مقابل دخترانی که در این سالها بدنیا آمده‌اند، تعداد پسران کمتری در سنین متناسب با آنها (بزرگتر از آنها) برای ازدواج وجود خواهد داشت، چون میزان مولید در دوره قبل کمتر بوده است. این پدیده هر زمان که رشد جمعیت یا بهتر بگوییم میزان مولید سالانه رو به افزایش باشد، پس از رسیدن دختران آن نسل به سنین ازدواج، شکل خواهد گرفت و در صورت وجود اختلاف سن بین مرد و زن هنگام ازدواج (بزرگتر بودن سنی مردان)، شانس ازدواج این نسل از دختران کاهش می‌یابد.

برعکس هنگام کاهش رشد جمعیت یا کم شدن میزان مولید سالانه، پسران متولد شده در آن نسل، هنگام ازدواج شانس کمتری برای یافتن همسر خواهند داشت. هرچه تغییر در نرخ رشد جمعیت، طی زمان کوتاه، بیشتر و متوسط فاصله سنی بین زوجین افزونتر باشد، پدیده مضيقه ازدواج حاد تر می‌گردد.

افزایش نرخ رشد سالانه جمعیت از ۲.۷ درصد در سالهای ۵۵-۱۳۴۵ به ۳.۹ درصد طی سالهای ۶۵-۱۳۵۵ و سپس کاهش آن به ۲ درصد در دهه ۷۵-۱۳۶۵ چنین وضعیتی را از هر دو سو برای کشور ایجاد کرده است. آمارهای ثبت احوال نشان می‌دهد که مردان واقع در یک گروه سنی ۵ ساله (به طور مثال ۲۹-۲۵ ساله) بیشترین فراوانی ازدواج را با زنان واقع در یک گروه سنی ۵ سال کوچکتر (۲۴-۲۰ ساله) دارند. براساس آمارهای ثبت احوال در سال ۱۳۹۴، در ۸۴ درصد ازدواج‌های ثبت شده در این سال مردان در گروه سنی ۳۴-۲۰ ساله بوده‌اند و ۷۹ درصد زنان در گروه سنی ۲۹-۱۵ ساله قرار داشته‌اند.

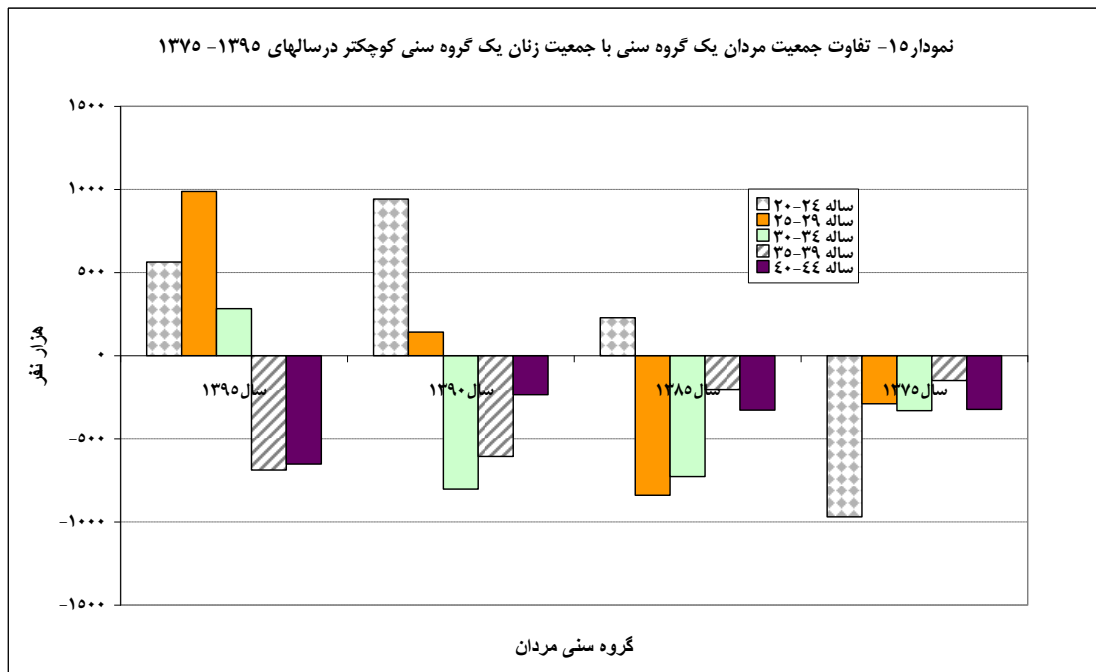
با نگاهی به نمودار ۱۵ مشاهده می‌گردد در سال ۱۳۷۵ جمعیت مردان در تمامی گروه‌های سنی ۴۴-۲۰ ساله کمتر از جمعیت زنان ۳۹-۱۵ ساله بوده است و جمعیت مردان در گروه سنی ۴۴-۲۰ ساله، حدود ۲ میلیون نفر کمتر از جمعیت زنان در گروه سنی ۳۹-۲۰ ساله است. این جمعیت زنان متولد سالهای ۵۵-۱۳۳۵ هستند که نرخ رشد جمعیت و مولید سالانه روند افزایشی داشته و در نتیجه این زنان با مضيقه ازدواج روبه رو شده‌اند و از دهه ۷۰ به بعد شاهد افزایش مجرد زنان در همه این گروه‌های سنی هستیم.

در سال ۱۳۸۵ جمعیت گروه سنی ۲۴-۲۰ ساله مردان حدود ۲۰۰ هزار نفر بیشتر از جمعیت زنان ۱۹-۱۵ ساله می‌گردد و مضيقه ازدواج زنان ۱۹-۱۵ ساله برطرف می‌گردد. در سال ۱۳۹۰ مضيقه ازدواج زنان زیر ۲۵ سال، و در سال ۱۳۹۵،

مضيقه ازدواج برای تمامی زنان زیر ۳۰ سال از بین می رود. به همین دلیل شاهد کاهش میزان تجرد زنان در سنين زیر ۳۰ سال در سال ۱۳۹۵ هستیم.

مضيقه ازدواج از سال ۱۳۹۰ به بعد به صورت کمرنگ و به تدریج برای پسران جوان شروع به شکل گرفتن کرده است. جمعیت زنان ۳۰ ساله به بالا در مقطع ۱۳۹۵ نیز همچنان در آینده با این پدیده روبرو خواهند بود. تنها راه پیشگیری از این امر نیز فرهنگ سازی در خصوص کاهش اختلاف سنی زوجین است. تا بدین طریق عدم تعادل جنسیتی در جمعیت افراد واقع در سن ازدواج برطرف شود.

یادآوری می گردد که مضيقه ازدواج تنها یکی از دلایل افزایش تجرد زنان در سالهای گذشته بوده است. دلایل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دیگری نیز هستند که بر میزان تجرد جوانان (زنان و مردان) می افزایند. علاوه بر این چون در جامعه ما مردان پیشنهاد دهنده ازدواج هستند، افزایش تمایل به تجرد در مردان جوان، باعث رشد تجرد در زنان نیز می شود.



مأخذ: نتایج سرشماری های عمومی نفوس و مسکن ، مرکز آمار ایران

روند تغییر میانگین سن در اولین ازدواج (روش هاینال)

یکی از شاخصهایی که بخوبی وضعیت ازدواج را در جامعه منعکس می نماید، میانگین سن در اولین ازدواج است. این شاخص از دو طریق قابل محاسبه می باشد:

۱- با استفاده از داده‌های ثبتی بصورت مستقیم، در صورتیکه سن کسانی که در سال مشخص برای اولین بار ازدواج می کنند در دسترس باشد.

۲- با استفاده از تعداد افراد هرگز ازدواج نکرده در گروه‌های سنی، که از اطلاعات سرشماری قابل استخراج است. این روش غیر مستقیم بوده و به روش هاینال معروف است.

با فرض آنکه افراد از ده سال به بالا احتمال ازدواج دارند و با در دست داشتن اطلاعات وضع زناشویی افراد در گروه‌های سنی پنجساله، روش محاسبه میانگین سن در اولین ازدواج به روش هاینال، به شرح زیر است:

$$\bar{X} = \frac{5 \sum_{i=10}^{45-49} S_i - 40 \times S_{50}}{1 - S_{50}} + 10$$

که در آن :

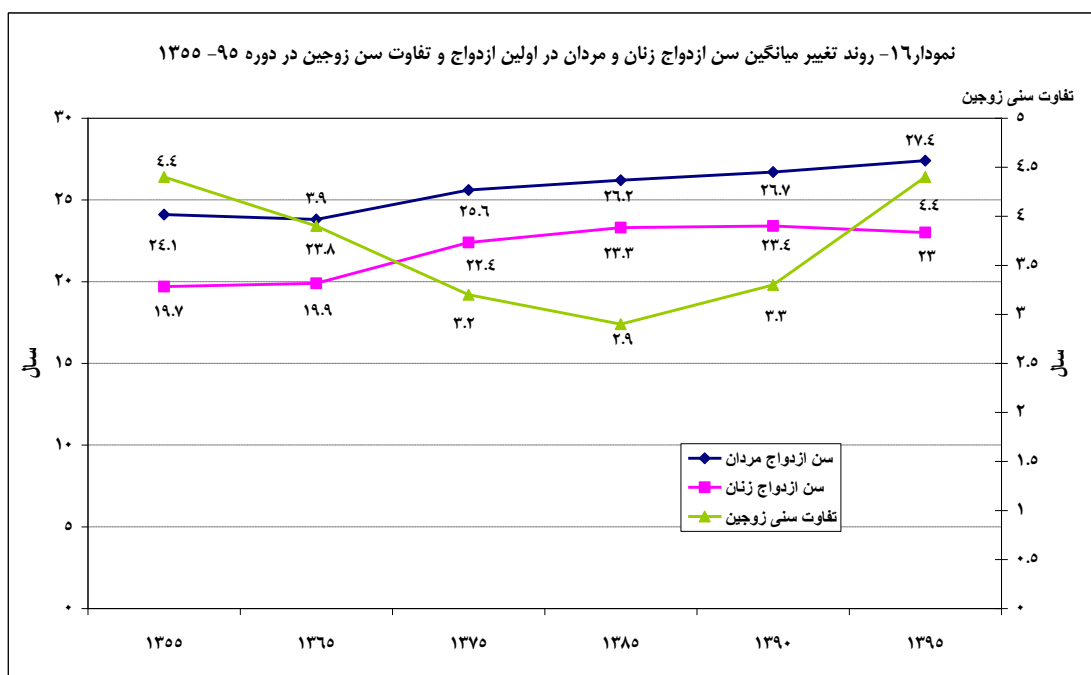
S_i : نسبت افراد هرگز ازدواج نکرده در گروه سنی i ام و

S_{50} : نسبت افراد ازدواج نکرده تا سن ۵۰ سالگی (تجرد قطعی) است.

$$S_{50} = \frac{S_{45}^{49} + S_{50}^{54}}{2}$$

نمودار ۱۶ میانگین سن در اولین ازدواج را به روش هاینال برای زنان و مردان و تفاوت سن زوجین را طی سالهای ۹۵-۱۳۵۵ براساس نتایج سرشماری ها نشان می دهد.

طی سالهای ۶۵-۱۳۵۵ که سالهای اولیه پس از انقلاب را شامل می‌شود، شاهد هستیم که به دلیل تشویق تشکیل خانواده در سنین پایین، سن ازدواج مردان، کمی کاهش نشان می دهد و سن ازدواج زنان بسیار کند افزایش می یابد. ولی در دوره ۸۵-۱۳۶۵، شاهد رشد مداوم میانگین سن در اولین ازدواج در بین زنان و مردان در مناطق شهری و روستایی می باشیم. در این میان رشد سن ازدواج زنان به دلیل وجود مزیقه ازدواج، بیشتر از مردان بوده و منجر به کاهش اختلاف سنی زوجین در این سالها شده است. سن ازدواج مردان تا سال ۱۳۹۵ صعودی بوده و در این سال به ۲۷.۴ سال رسیده است. ولی سن ازدواج زنان به دلیل رفع مزیقه ازدواج برای زنان جوان، در سالهای ۹۰-۱۳۸۵ تقریباً تثبیت شده و در دوره ۹۵-۱۳۹۰ روند نزولی گرفته و از ۲۳.۴ به ۲۳ سال کاهش یافته است. کاهش سن ازدواج زنان در کنار افزایش سن ازدواج مردان موجب افزایش تفاوت سنی زوجین از ۲.۹ سال در سال ۱۳۸۵ به ۴.۴ سال در سال ۱۳۹۵ (مشابه اختلاف سنی زوجین در سال ۱۳۵۵) شده است.



مأخذ: نتایج سرشماری های عمومی نفوس و مسکن ، مرکز آمار ایران

بر اساس مطالعات انجام شده پیشین (نوروزی، ۱۳۹۴)، از جمله مهم ترین عواملی که علیرغم توصیه های دین اسلام و مسئولین کشور، موجب به تعویق افتادن ازدواج مردان و زنان و افزایش میزان تجرد در کشور شده است، می توان به موارد زیر اشاره نمود:

- افزایش میزان با سواد و سطح تحصیلات و طولانی تر شدن دوره آموزش
- گسترش تحصیلات عالی بخصوص در بین زنان و توقع بالاتر افراد تحصیلکرده از اشتغال و سطح زندگی
- افزایش تمایل زنان به کسب شغل و داشتن استقلال مالی و ممانعت ازدواج از ادامه تحصیل و توسعه شغلی فرد
- توسعه شهرنشینی، افزایش تمایل به خانوارهای هسته ای و هزینه بالای مسکن
- رکود اقتصادی ، شرایط بد بازار کار ، نرخ بیکاری بالای جوانان و عدم ثبات در بازار اشتغال
- تورم ، افزایش هزینه های زندگی و پایین بودن سطح درآمد قشر کثیری از جامعه به ویژه جوانان و بالاتر بودن رفاه در خانواده والدین
- جستجوی کار و انجام نظام وظیفه برای پسران
- افزایش هزینه های ازدواج شامل مهریه، جهیزیه و برگزاری مراسم عروسی
- مهاجرت مردان روستایی به شهرها و شکل گیری مضیقه ازدواج در روستاها و برای دختران متولد قبل از سال ۱۳۶۵
- تجربه نوسازی و برزخ گذار از نظم سنتی به نظم مدرن، فردگرایی و استقلال و برابری طلبی
- مسئولیت گریزی، تنوع طلبی و بالا رفتن سطح توقعات جوانان به دلیل افزایش ارتباطات

- کاهش سطح اخلاقی جامعه و افزایش آزادیهای اجتماعی که گاه منجر به بی بند و باری می گردد و نیاز به ازدواج رسمی را کاهش می دهد.
- تجارب تلخ از زندگی والدین و اطرافیان، بی ثباتی زندگی های زناشویی شکل گرفته و در نتیجه بدبینی، ترس از طلاق و خیانت همسر و کاهش اعتماد جوانان
- فعالانه شدن نقش جوانان در مراحل گوناگون ازدواج و آزادی انتخاب همسر و بی اعتقادی به ازدواجهای ترتیب داده شده
- الگو برداری از فرهنگ غرب و نگرش مثبت به زندگی مجردی
- تفکیک هرچه بیشتر جنسیتی و فرصت های کم آشنایی و برقراری ارتباط سالم و مشروع در بین گروهی از جوانان
- تغییر در اهداف ازدواج و وسواس و سخت گیری در انتخاب همسر و محدودیت انتخاب برای دختران

روند تغییر تعداد مردان و زنان دارای همسر و بدون همسر بر اثر طلاق یا فوت

جدول ۵ نشان می دهد که به رغم بالا رفتن سن ازدواج و افزایش میزان تجرد، تعداد مردان و زنان دارای همسر از حدود ۲۴ میلیون نفر در سال ۱۳۷۵ به ۴۲ میلیون نفر در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است. این امر از تغییر ساختار سنی جمعیت کشور و انتقال انبوه متولدین دهه ۶۰ به سنین بالاتر از ۲۰ سالگی که بیشترین ازدواج ها در آن صورت می گیرد، ناشی می شود. نسبت تعداد زنان به مردان دارای همسر در سال ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ برابر ۱.۰۰۵ بوده است. بر اساس این آمار میزان چند همسری در کشور بسیار پایین و در حد ۰.۵ درصد است. ولی در سال ۱۳۹۵ این نسبت کمتر از یک است و تعداد مردان دارای همسر، بیش از ۱۰۰ هزار نفر بیشتر از زنان دارای همسر است، که غیر منطقی به نظر می رسد. دلیل آن نیز می تواند اشکالات نتایج سرشماری و یا مهاجرت برخی زنان دارای همسر بدون همراهی همسر، به خارج از کشور باشد.

جدول ۵- روند تغییر تعداد مردان و زنان دارای همسر و بدون همسر بر اثر طلاق یا فوت

تعداد	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰	۱۳۹۵
مردان بی همسر بر اثر فوت همسر	۲۳۳۳۰۶	۲۹۸۵۹۸	۳۳۲۲۶۰	۳۲۹۰۳۱
مردان بی همسر بر اثر طلاق	۵۵۹۷۷	۱۳۹۷۸۷	۲۱۳۹۸۹	۳۹۹۰۸۴
زنان بی همسر بر اثر فوت همسر	۱۳۴۴۶۲۲	۱۸۹۱۱۷۱	۲۳۱۹۹۹۷	۲۳۹۸۹۸۷
زنان بی همسر بر اثر طلاق	۱۱۰۸۵۰	۲۵۲۲۸۸	۴۴۲۸۶۳	۷۱۲۷۸۲
مردان دارای همسر	۱۱۸۳۲۶۲۶	۱۶۵۱۶۱۹۶	۱۹۰۸۷۶۷۷	۲۱۲۵۹۲۶۹
زنان دارای همسر	۱۱۹۱۱۱۹۱	۱۶۵۹۶۹۶۲	۱۹۱۷۴۳۳۷	۲۱۱۴۰۵۲۳
نسبت زنان به مردان دارای همسر	۱.۰۰۷	۱.۰۰۵	۱.۰۰۵	۰.۹۹۴
نسبت زنان به مردان بی همسر مطلقه	۲.۰	۱.۸	۲.۱	۱.۸
نسبت زنان به مردان بی همسر بیوه	۵.۸	۶.۳	۷.۰	۷.۳

مأخذ: نتایج سرشماری های عمومی نفوس و مسکن، مرکز آمار ایران

در حالی که تعداد مردان و زنان دارای همسر در دوره ۲۰ ساله ۹۵-۱۳۷۵، ۱.۸ برابر شده است، بر اثر رشد میزان طلاق در کشور، تعداد مردان و زنان بدون همسر بر اثر طلاق حدود ۷ برابر شده است. به دلیل بالاتر بودن احتمال ازدواج مجدد مردان نسبت به زنان، پس از فوت یا جدایی از همسر، در برابر هر مرد مطلقه حدود ۲ زن مطلقه، و در برابر هر مرد بیوه بیش از ۷ زن بیوه در سطح کشور وجود دارد. افزایش میزان طلاق از عوامل مختلفی ناشی می شود. بر اساس مطالعات پیشین (نوروزی، ۱۳۹۵) مهم ترین این عوامل شامل: فقر، بیکاری، اعتیاد، نارضایتی از روابط زناشویی و برآورده نشدن توقعات جنسی، دخالت های بیجای اطرافیان، مدت کم شناخت همسر قبل از ازدواج، سن پایین ازدواج، تفاوت سنی زیاد زوجین، وجود طلاق در میان بستگان، پایبندی کمتر به مذهب و سنت، فساد اخلاقی، عدم انتخاب صحیح شریک زندگی، نداشتن مهارت های گفتگو و زندگی مشترک است.

روند تغییرات نرخ باسوادی در جمعیت ۶ ساله و بیشتر

بر اساس تعریف در سرشماری های نفوس و مسکن، به افرادی باسواد می گویند که می توانند به فارسی یا هر زبان دیگری متن ساده ای را بخوانند و بنویسند، خواه مدرک رسمی داشته یا نداشته باشند. همه محصلان از جمله نوآموزان سال اول ابتدایی و سواد آموزان نهضت سواد آموزی نیز باسواد به حساب می آیند.

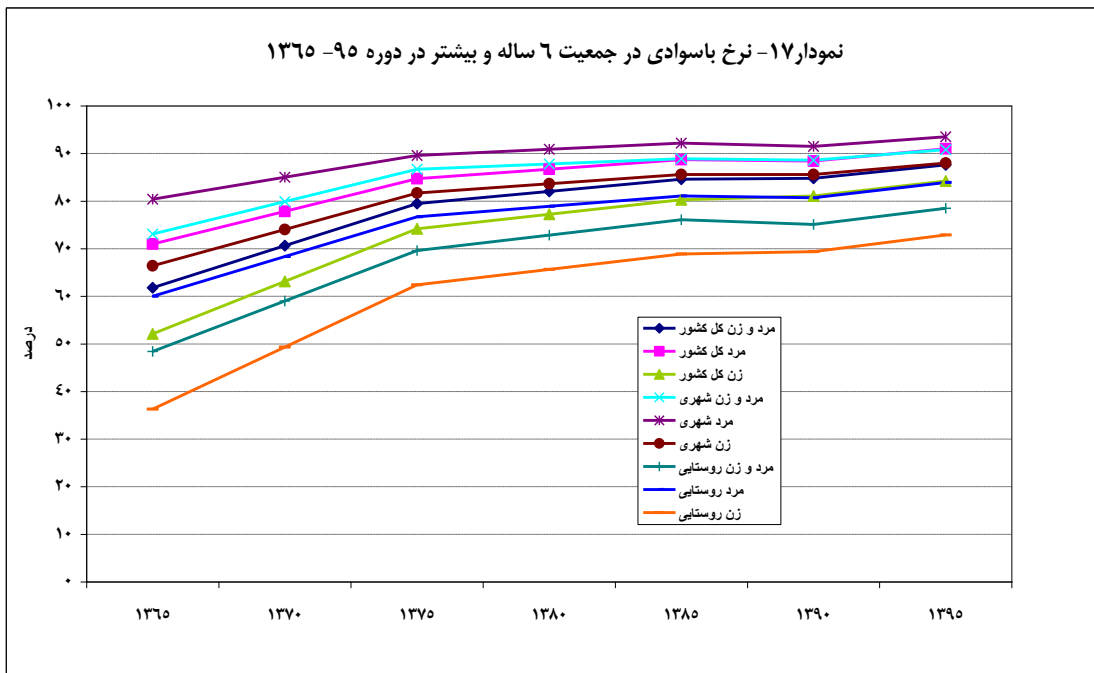
بر اساس این تعریف و نتایج سرشماری های نفوس و مسکن کشور، نرخ باسوادی در جمعیت ۶ ساله و بیشتر کل کشور از ۶۱.۸ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۸۷.۶ درصد در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است. این نرخ در تمام طول دوره ۳۰ ساله روند افزایشی، ولی با سرعت کاهنده داشته است.

در دوره ۷۵-۱۳۶۵، روند افزایش باسوادی بخصوص در بین روستاییان بسیار سریع بوده است. ولی در دوره ۲۰ ساله بعدی از سرعت افزایش نرخ باسوادی کاسته شده است.

اگر در نمودار ۱۷ به تفکیک مرد و زن و شهری و روستایی به این شاخص نگاه کنیم، مشاهده می گردد که در تمام طول دوره به ترتیب مردان شهری، زنان شهری، مردان روستایی و در انتها زنان روستایی دارای بالاترین نرخ باسوادی بوده اند. در سال ۱۳۹۵ نرخ باسوادی در کل جمعیت کشور ۸۷.۶ درصد، برای مردان ۹۱ درصد و برای زنان ۸۴.۲ درصد بوده است. نرخ باسوادی در جمعیت شهری ۸۹.۸ درصد، مردان شهری ۹۳.۵ و زنان شهری ۸۸ درصد بوده است. نرخ باسوادی در جمعیت روستایی ۷۸.۵ درصد، مردان روستایی ۸۳.۹ و زنان روستایی ۷۲.۹ درصد بوده است.

شکاف نرخ باسوادی بین زنان و مردان در سال ۱۳۹۵ برابر ۶.۸ درصد، و بین مناطق شهری و روستایی برابر ۱۱.۳ درصد بوده است.

در دوره ۱۰ ساله ۹۵-۱۳۸۵، نرخ باسوادی با ۲.۸ درصد افزایش از ۸۴.۸ درصد به ۸۷.۶ درصد رسیده و شکاف نرخ باسوادی بین زنان و مردان تنها ۱.۶ درصد و شکاف نرخ باسوادی بین شهرنشینان و روستاییان نیز ۲.۵ درصد کاهش یافته است.



مأخذ: نتایج سرشماری های عمومی نفوس و مسکن ، مرکز آمار ایران

سطح تحصیلات

از جمعیت ۷۹.۹ میلیون نفری سال ۱۳۹۵، ۷۱.۵ میلیون نفر بالای ۶ ساله بوده اند. از این تعداد ۶۲.۳ میلیون نفر (۸۷ درصد) باسوادند و ۹.۲ میلیون نفر (۱۳ درصد) بیسواد هستند. ۱۷.۷ میلیون نفر از جمعیت باسواد (۲۸.۴ درصد) در حال تحصیل هستند. ۱۳.۶ میلیون نفر از ۴۸.۵ میلیون نفر دارای سطح تحصیلات کمتر از عالی، مشغول به تحصیل هستند (۲۸ درصد) و بنابراین در سالهای آتی سطح تحصیلات آنان بالاتر خواهد رفت.

۱۸.۱ میلیون نفر از جمعیت باسواد محصل و یا غیر محصل (۲۹.۱ درصد)، دارای تحصیلات ابتدایی یا سوادآموزی هستند.

۱۱.۳ میلیون نفر از این جمعیت باسواد محصل و یا غیر محصل (۱۸.۱ درصد)، دارای سطح تحصیلی سیکل اول، راهنمایی و یا متوسطه اول هستند.

۵.۵ میلیون نفر از این جمعیت باسواد محصل و یا غیر محصل (۸.۸ درصد)، دارای سطح تحصیلی سیکل دوم، متوسطه و یا متوسطه دوم و فاقد مدرک دیپلم هستند.

۱۳.۵ میلیون نفر از این جمعیت باسواد محصل و یا غیر محصل (۲۱.۷ درصد)، دارای سطح تحصیلی پیش دانشگاهی و یا دیپلم هستند.

۱۳.۵ میلیون نفر از جمعیت در حال تحصیل و یا فارغ از تحصیل (۲۱.۸ درصد)، دارای تحصیلات دانشگاهی یا عالی هستند. این جمعیت در سال ۱۳۹۰، برابر ۱۰.۵ میلیون نفر بوده و در دوره ۵ ساله اخیر ۲۹ درصد رشد داشته است. گرچه با تغییر ساختار سنی جمعیت، تعداد دانشجویان در این فاصله از ۴.۱ میلیون نفر به ۳.۹ میلیون نفر کاهش (۵.۳- درصد) یافته، ولی تعداد جمعیت دارای تحصیلات عالی که در حال حاضر نیز مشغول تحصیل نیستند، از ۶.۴ میلیون نفر به ۹.۶ میلیون نفر افزوده شده است. به عبارت دیگر، این جمعیت تنها در دوره ۵ ساله ۹۵-۱۳۹۰، ۱.۵ برابر و در دوره ده ساله ۹۵-۱۳۸۵ بیش از دو برابر شده است. این حجم افزایش، منطقی به نظر نمی رسد. مشخص نیست سیاستهای افزایش پذیرش دانشجویان در یک دهه گذشته چنین نتایجی به دنبال داشته است و یا خرید مدرک از بازار و یا . . . چنین نتایجی را در پی داشته است. آنچه که قطعی است، این است که این حجم افزایش، تاثیر بسیار منفی بر بازار کار تحصیلکردگان عالی گذاشته است. تمامی اعداد گفته شده تحت تاثیر تغییرات ساختار سنی جمعیت در گذشته بوده و در آینده نیز خواهد بود.

روند تحولات مهاجرت

مهاجرت در لغت نامه جمعیت شناسی سازمان ملل چنین تعریف شده است: "مهاجرت شکلی از تحرک جغرافیایی یا تحرک مکانی است که بین دو واحد جغرافیایی صورت می‌گیرد. این تحرک جغرافیایی، تغییر اقامتگاه از مبدا یا محل حرکت به مقصد یا محل ورود می‌باشد. این گونه مهاجرت‌ها را مهاجرت دائم گویند و باید آن را از اشکال دیگر حرکات جمعیت که متضمن تغییر دائمی محل اقامت نمی‌باشد، تفکیک کرد".

در تحلیل جمعیت، مهاجرت یکی از عوامل مهم تغییر دهنده تعداد و ترکیب سنی و جنسی جمعیت است. این تغییر به دو صورت متفاوت در مبدا و در مقصد مهاجرت ظاهر می‌شود. به دلیل تفاوت تعداد و ساخت جمعیت در مبدا و مقصد، اثر مهاجرت در آن دو، در دو جهت مختلف و با شدت‌های گوناگون تجلی می‌یابد.

اطلاعات مربوط به مهاجرت‌ها اغلب از یافته‌های سرشماری‌ها حاصل می‌شود. بخشی از اقلام پایه‌ای سرشماری‌های نفوس و مسکن را ویژگی‌های جغرافیایی و مهاجرت تشکیل می‌دهند. مانند: محل تولد، محل اقامت کنونی، محل اقامت قبلی، محل اقامت در یک تاریخ معین (مثلاً ۵ یا ۱۰ سال پیش و یا زمان آخرین سرشماری قبل) و مدت اقامت. همه سرشماری‌های بعد از سال ۱۳۵۷، محل اقامت قبلی آخرین جابجایی مهاجران در یک دهه گذشته مورد پرسش قرار می‌گیرد. ولی سوال محل اقامت در یک تاریخ معین (مثلاً ۵ یا ۱۰ سال پیش و یا زمان آخرین سرشماری قبل) پرسیده نمی‌شود. در این حالت گرچه تعداد کل مهاجران یک دهه درست برآورد می‌شود، ولی، چون اغلب مهاجرت در چند مرحله صورت می‌گیرد و در یک دوره ده ساله افراد ممکن است بیش از یکبار مهاجرت نموده باشند، اطلاعات مربوط به آخرین جابجایی فرد در سرشماری ثبت می‌گردد، مبدا اصلی فرد مهاجر در ابتدای دوره مجهول باقی می‌ماند. لذا میزان بردارهای مهاجرتی مثل مهاجرت روستا-شهر یا بین استانی در فاصله دو سرشماری درست برآورد نخواهد شد و دارای خطای قابل توجه خواهد بود.

مشکل دیگر این است که چون در سرشماری از تغییر محل اقامت در ده یا ۵ سال گذشته سوال می‌شود، ممکن است پرسش از مردم در مورد به خاطر آوردن وقایعی از گذشته دور، به علت اینکه مردم سنجش دقیقی از زمان ندارند، داده‌های نادرست تولید کند.

به نظر می‌رسد بهترین روش برای برآورد میزان‌های مهاجرت، سوال درباره محل سکونت افراد در زمان آخرین سرشماری قبل باشد که در بسیاری از سرشماری‌ها نظیر آنهایی که در استرالیا، بریتانیا و ایالات متحده وجود دارند، پرسیده می‌شود. در سرشماری سال ۱۳۵۵ ایران نیز محل اقامت مهاجران در ۵ سال پیش از آن پرسیده شده بود. ولی متأسفانه در تمامی سرشماری‌ها از سال ۱۳۶۵ به بعد این سوال کلیدی و روشنگر در پرسشنامه وجود ندارد.

علاوه بر نبود سوال کلیدی مهاجرت در سرشماری‌ها، مشکلات دیگری نیز در برآورد میزان‌های مهاجرت وجود دارد و به دلیل تغییر شکل سوالات مربوط به مهاجرت، تغییر تعریف مهاجرت در سرشماری‌های مختلف و تغییر محدوده‌های

جغرافیایی داخل کشور مثل استان‌ها، شهرستان‌ها و شهر و روستا استفاده از آمار مهاجرت به صورت سری زمانی و مقایسه آن طی زمان با مشکل رو به رو می‌شود.

یافته‌های سرشماری ۱۳۹۵ در خصوص مهاجرت

نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵ نشان می‌دهد که در دوره ۵ ساله ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵، ۴ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر محل اقامت خود را در داخل کشور تغییر داده‌اند یا به کشور وارد شده‌اند. در این دوره سهم مهاجران از کل جمعیت کشور ۵/۳۸ درصد بوده است. تعداد کل مهاجران در دوره ۹۰-۱۳۸۵، ۵ میلیون و ۵۳۵ هزار نفر و سهم آنان از کل جمعیت کشور ۷/۳۶ درصد بوده است. در دوره اخیر بیش از یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر از کل تعداد مهاجران کاسته شده و سهم آنان از کل جمعیت نیز ۲ درصد کاهش یافته است. این روند کاهشی در سهم مهاجران، از سال ۱۳۶۵ به بعد مشاهده می‌شود. (جدول ۶)

حدود ۲ میلیون نفر از مهاجران یا ۴۸ درصد کل مهاجران از استانی به استان دیگر نقل مکان کرده‌اند. سهم این مهاجران در دوره ۵ ساله قبلی ۳۶ درصد بوده و در دوره اخیر سهم مهاجران بین استانی برخلاف دوره ۹۰-۱۳۶۵ که روند کاهشی داشته، ۱۲ درصد افزایش نشان می‌دهد و نشانگر آن است که بر فاصله جابجایی مهاجران افزوده شده است. حدود ۲ میلیون نفر از مهاجران در داخل استان‌های محل زندگی خود جابه جا شده و محل سکونت جدید انتخاب کرده‌اند. ۱۱۱ هزار نفر از خارج به کشور وارد شده‌اند (۲/۶ درصد کل مهاجران) و بقیه نیز محل اقامت قبلی خود را اظهار نکرده‌اند. (جدول ۶)

در دوره ۹۵-۱۳۹۰، ۵۰۷ هزار نفر از شهر به روستا و ۶۰۸ هزار نفر از روستا به شهر مهاجرت نموده‌اند. خالص مهاجرت روستاییان به شهرها که از تفاضل مهاجران روستا به شهر و شهر به روستا به دست می‌آید، ۱۰۱- هزار نفر بوده است. آمار نشان می‌دهد که برخلاف دهه‌های پیشین، از سال ۱۳۸۵ به بعد خالص مهاجرت از روستا به شهر منفی شده و شهری‌ها بیشتر به روستاها مهاجرت کرده‌اند تا بالعکس آن. گرچه جمعیت شهرنشین کشور در این دوره ۵ ساله، ۲/۷ میلیون نفر افزایش یافته ولی، مهاجرت روستاییان به شهرها نقشی در افزایش جمعیت شهرنشین نداشته است. تبدیل شدن تعداد زیادی از روستاها به شهر و الحاق محدوده روستایی به شهر، می‌تواند دلیل اصلی افزایش ضریب شهرنیشینی در کشور باشد. (جدول ۶)

جدول ۶ - روند تغییرات سهم مهاجرین از کل جمعیت، سهم مهاجران بین استانی از کل مهاجران و سهم خالص مهاجرت

روستا به شهر در افزایش جمعیت شهرنشین در فواصل سرشماری ۱۳۶۵-۱۳۹۵

دوره	سهم مهاجران از کل جمعیت (درصد)	سهم مهاجران بین استانی از کل مهاجران (درصد)	سهم مهاجرت روستا به شهر در افزایش جمعیت شهرنشین (درصد)
۱۳۶۵-۷۵	۱۴.۵	۳۳.۷	۳.۵
۱۳۷۵-۸۵	۱۷.۲	۳۹.۳	۲.۸
۱۳۸۵-۹۰	۷.۴	۳۵.۹	۰
۱۳۹۰-۹۵	۵.۳۸	۴۸	۰

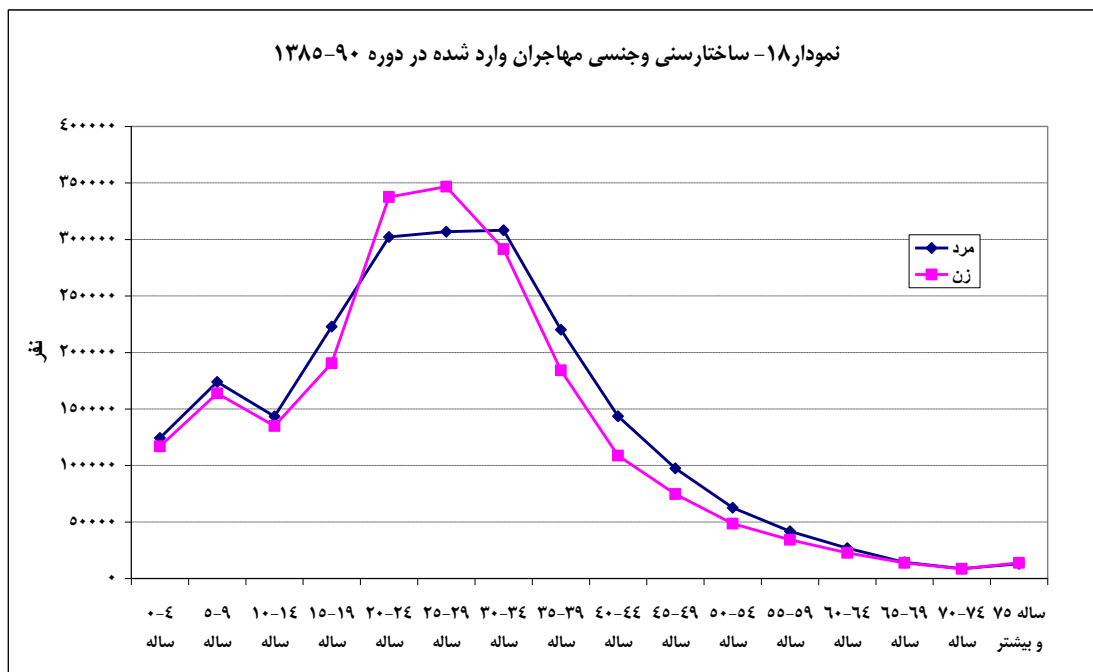
مأخذ: نتایج سرشماری های عمومی نفوس و مسکن، مرکز آمار ایران

ساختار سنی و جنسی مهاجران

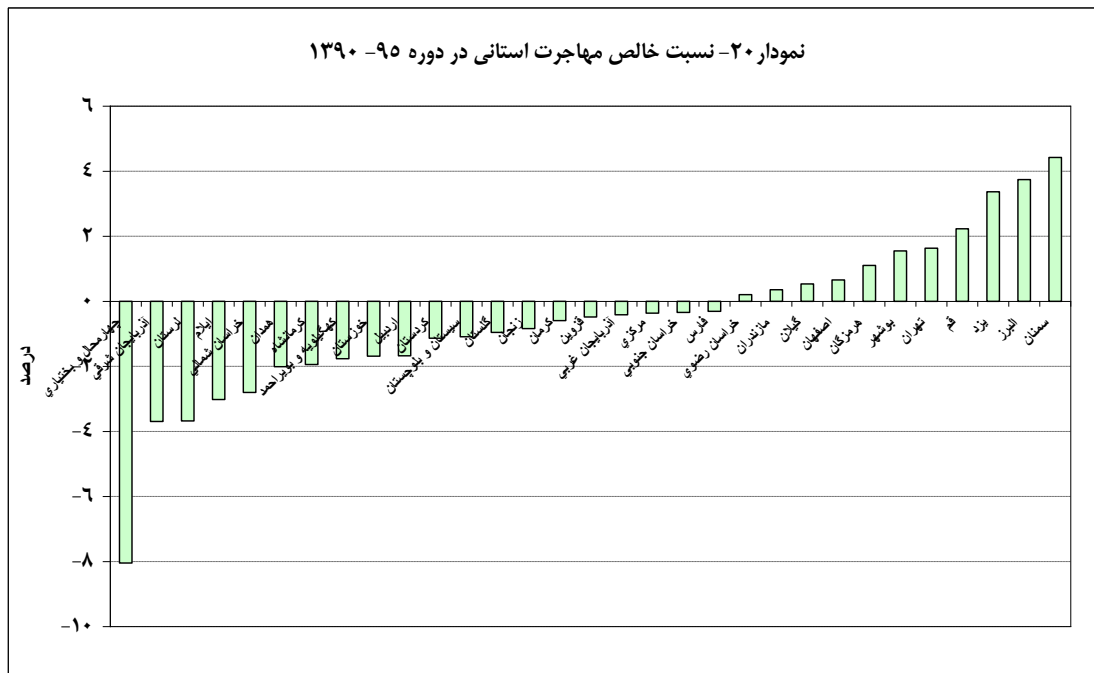
بررسی ساختار سنی و جنسی مهاجران در دوره ۹۵-۱۳۹۰ نشان می دهد که ۲/۲ میلیون نفر از مهاجران مرد و ۲/۱ میلیون نفر زن بوده اند و نسبت مردان مهاجر به کل جمعیت مردان ۵/۵ درصد و برای زنان ۵/۳ درصد بوده است. بنابر این میزان مهاجرت مردان و زنان در کشور بسیار به هم نزدیک شده است.

در نمودار ۱۸ مشاهده می گردد که حجم مهاجران در سنین ۳۴-۲۰ سالگی در بین زنان و مردان در بالاترین میزان قرار دارد و ۱/۹ میلیون نفر از مهاجران در این سنین قرار داشته اند.

نسبت مردان مهاجر به کل جمعیت آنان در سنین ۲۴-۲۰ سالگی در بالاترین میزان و برابر ۹/۳ درصد و برای زنان ۱۰/۷ درصد بوده است. نسبت مهاجران به کل جمعیت برای زنان و مردان ۲۴-۲۰ ساله در دوره ۹۰-۱۳۸۵ حدود ۱۲ درصد بوده و در دوره اخیر کاهش یافته است. علاوه بر این برای اولین بار در چند دهه گذشته، نسبت زنان مهاجر به جمعیت آنان در سنین ۲۴-۲۰ سالگی، از مردان پیشی گرفته است.



مآخذ: نتایج سرشماری های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵ ، مرکز آمار ایران



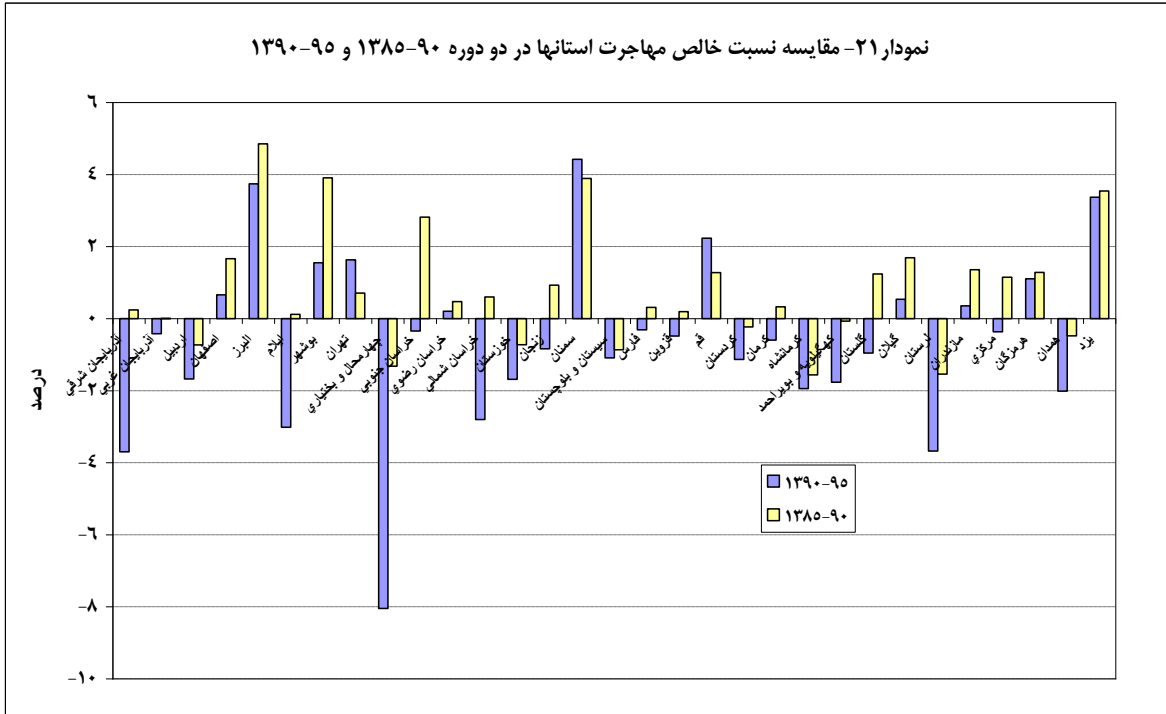
مأخذ: نتایج سرشماری های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵، مرکز آمار ایران

در دوره ۹۵-۱۳۹۰ به ترتیب استانهای سمنان، البرز، یزد، قم، تهران، بوشهر و هرمزگان بیشترین نسبت خالص مهاجرپذیری (بیش از یک درصد) را دارا بوده اند. در این دوره استان چهارمحال و بختیاری با بیش از ۸- درصد، بیشترین نسبت خالص مهاجرفرستی را دارا بوده است. پس از آن استانهای آذربایجان شرقی، لرستان، ایلام، خراسان شمالی، همدان و کرمانشاه بیشترین نسبت خالص مهاجرفرستی را دارا بوده اند.

در نمودار ۲۱ نسبت خالص مهاجرت استانها در دو دوره ۹۰-۱۳۸۵ (دوره اول) و ۹۵-۱۳۹۰ (دوره دوم) مقایسه شده اند. در این نمودار مشاهده می گردد که نسبت خالص مهاجرت برخی از استانها در این دو دوره متوالی تفاوت فاحشی نموده است. برای مثال، نسبت خالص مهاجرت چهارمحال و بختیاری از ۱.۳- درصد در دوره اول به ۸- درصد رسیده و مهاجرفرستی آن به شدت تشدید شده است. استان آذربایجان شرقی که در دوره اول اندکی مهاجرپذیر بوده در دوره دوم، دومین استان مهاجرفرست کشور شده است. استان خراسان شمالی و جنوبی که در دوره اول مهاجرپذیر بوده اند، در دوره دوم مهاجر فرست شده اند. استان گلستان نیز که در دوره اول مهاجرپذیر بوده، در دوره دوم مهاجرفرست شده است. نسبت مهاجرفرستی استان لرستان نیز در دوره دوم بیش از ۲ برابر دوره اول شده است.

این آمارها نشان می دهد که استانهای توسعه یافته مرکزی شامل تهران، البرز، سمنان، یزد، قم و اصفهان، دو استان جنوبی بوشهر و هرمزگان و دو استان شمالی گیلان و مازندران، و خراسان رضوی در کل دوره دهساله ۹۵-۱۳۸۵ مهاجرپذیر بوده اند.

بالعکس استانهای غربی کشور مثل چهارمحال و بختیاری، آذربایجان شرقی (در ۹۰-۸۵ اندکی مهاجرپذیر)، خوزستان، لرستان، همدان، کرمانشاه، اردبیل، کردستان، ایلام، کهگیلویه و بویراحمد و استان خراسان شمالی و سیستان و بلوچستان مهاجرفرست بوده و در دوره ۹۵-۱۳۹۰ مهاجرفرستی این استانها نسبت به دوره قبلی یا سالهای ۹۰-۱۳۸۵ افزایش یافته است.



مأخذ: نتایج سرشماری های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵، مرکز آمار ایران

جدول ۷- تعداد مهاجران وارد شده، مهاجران خارج شده، خالص مهاجرت و نسبت خالص مهاجرت (درصد) استانی در ۹۵-۱۳۹۰

استان	جمعیت	مهاجران وارد شده	مهاجران خارج شده	خالص مهاجرت	نسبت خالص مهاجرت
آذربایجان شرقی	۳۹۰۹۶۵۲	۱۷۱۸۹۲	۱۷۱۸۹۲	-۱۴۴۵۷۹	-۳.۷۰
آذربایجان غربی	۳۲۶۵۲۱۹	۱۳۷۹۵۴	۱۳۷۹۵۴	-۱۳۶۰۹	-۰.۴۲
اردبیل	۱۲۷۰۴۲۰	۷۶۰۹۱	۷۶۰۹۱	-۲۱۲۸۷	-۱.۶۸
اصفهان	۵۱۲۰۸۵۰	۲۶۵۲۸۸	۲۶۵۲۸۸	۳۳۷۰۵	۰.۶۶
البرز	۲۷۱۲۴۰۰	۱۴۹۸۳۹	۱۴۹۸۳۹	۱۰۱۳۹۱	۳.۷۴
ایلام	۵۸۰۱۵۸	۴۰۳۰۴	۴۰۳۰۴	-۱۷۵۱۲	-۳.۰۲
بوشهر	۱۱۶۳۴۰۰	۶۹۱۵۸	۶۹۱۵۸	۱۸۰۲۲	۱.۵۵
تهران	۱۳۲۶۷۶۳۷	۶۲۳۳۳۱	۶۲۳۳۳۱	۲۱۶۲۴۱	۱.۶۳
چهارمحال و بختیاری	۹۴۷۷۶۳	۶۸۱۳۵	۶۸۱۳۵	-۷۶۲۷۸	-۸.۰۵
خراسان جنوبی	۷۶۸۸۹۸	۶۴۷۱۹	۶۴۷۱۹	-۲۶۴۷	-۰.۳۴
خراسان رضوی	۶۴۳۴۵۰۱	۳۰۱۶۵۴	۳۰۱۶۵۴	۱۳۰۸۶	۰.۲۰
خراسان شمالی	۸۶۳۰۹۲	۶۴۷۱۴	۶۴۷۱۴	-۲۴۱۷۹	-۲.۸۰
خوزستان	۴۷۱۰۵۰۹	۲۴۰۸۸۶	۲۴۰۸۸۶	-۷۹۴۱۹	-۱.۶۹
زنجان	۱۰۵۷۴۶۱	۶۱۹۷۹	۶۱۹۷۹	-۸۸۷۱	-۰.۸۴
سمنان	۷۰۲۳۶۰	۴۰۰۵۳	۴۰۰۵۳	۳۱۰۶۵	۴.۴۲
سیستان و بلوچستان	۲۷۷۵۰۱۴	۱۱۲۲۸۴	۱۱۲۲۸۴	-۳۰۲۷۰	-۱.۰۹
فارس	۴۸۵۱۲۷۴	۲۶۵۴۱۲	۲۶۵۴۱۲	-۱۵۰۶۲	-۰.۳۱
قزوین	۱۲۷۳۷۶۱	۹۴۵۴۸	۹۴۵۴۸	-۶۱۸۰	-۰.۴۹
قم	۱۲۹۲۲۸۳	۴۸۳۱۴	۴۸۳۱۴	۲۸۸۱۹	۲.۲۳
کردستان	۱۶۰۳۰۱۱	۱۲۳۶۸۸	۱۲۳۶۸۸	-۱۸۱۸۳	-۱.۱۳
کرمان	۳۱۶۴۷۱۸	۱۱۲۹۰۵	۱۱۲۹۰۵	-۱۸۸۵۳	-۰.۶۰
کرمانشاه	۱۹۵۲۴۳۴	۱۲۸۹۰۰	۱۲۸۹۰۰	-۳۷۹۹۱	-۱.۹۵
کهگیلویه و بویراحمد	۷۱۳۰۵۲	۶۵۷۸۷	۶۵۷۸۷	-۱۲۵۹۵	-۱.۷۷
گلستان	۱۸۶۸۸۱۹	۱۰۶۸۱۴	۱۰۶۸۱۴	-۱۷۸۷۶	-۰.۹۶
گیلان	۲۵۳۰۶۹۶	۱۴۳۷۵۹	۱۴۳۷۵۹	۱۳۵۳۸	۰.۵۳
لرستان	۱۷۶۰۶۴۹	۱۲۱۸۸۱	۱۲۱۸۸۱	-۶۴۷۴۵	-۳.۶۸
مازندران	۳۲۸۳۵۸۲	۱۳۶۴۷۵	۱۳۶۴۷۵	۱۱۶۲۸	۰.۳۵
مرکزی	۱۴۲۹۴۷۵	۸۶۷۹۰	۸۶۷۹۰	-۵۲۴۴	-۰.۳۷
هرمزگان	۱۷۷۶۷۱۵	۹۵۲۸۰	۹۵۲۸۰	۱۹۶۰۳	۱.۱۰
همدان	۱۷۳۸۲۳۴	۱۱۱۷۷۰	۱۱۱۷۷۰	-۳۴۹۹۵	-۲.۰۱
یزد	۱۱۳۸۵۳۳	۴۳۴۱۹	۴۳۴۱۹	۳۸۳۵۰	۳.۳۷

وضع سکونت

در سرشماری های عمومی نفوس و مسکن، برخی از ویژگیهای محل سکونت خانوارهای معمولی نیز مورد پرسش قرار می گیرد. این خصوصیات شامل نحوه تصرف محل سکونت، مساحت زیربنای واحد مسکونی، اسکلت بنا و . . . است. واحدهای مسکونی را از بعد نحوه تصرف می توان به سه گروه عمده ۱- ملکی، که خانوار، مالک واحد مسکونی خود است. ۲- رهن / استیجاری، خانوارهایی که محل سکونت خود را رهن و یا اجاره کرده اند. ۳- سایر، که شامل در برابر خدمت، رایگان و . . . طبقه بندی نمود.

جدول ۸- توزیع خانوارها در واحدهای مسکونی معمولی به تفکیک نحوه تصرف محل سکونت

(درصد)

سال	ملکی عرصه و اعیان	رهن / استیجاری	سایر و اظهار نشده
کل ۱۳۹۵	۶۰.۵	۳۰.۷	۸.۸
کل ۱۳۹۰	۶۲.۷	۲۶.۶	۱۰.۷
کل ۱۳۸۵	۶۷.۹	۲۲.۹	۹.۱
شهری ۱۳۹۵	۵۴.۹	۳۶.۷	۸.۸
شهری ۱۳۹۰	۵۶.۶	۳۳.۲	۱۰.۲
شهری ۱۳۸۵	۶۲.۲	۲۹	۸.۸
روستایی ۱۳۹۵	۷۹.۲	۱۲.۳	۸.۸
روستایی ۱۳۹۰	۷۹.۳	۸.۹	۱۱.۹
روستایی ۱۳۸۵	۸۲	۷.۹	۱۰.۱

مأخذ: نتایج سرشماری های عمومی نفوس و مسکن ، مرکز آمار ایران

جدول ۸ نشان می دهد که در سال ۱۳۹۵ بیش از ۶۰ درصد خانوارها در کل کشور مالک محل مسکونی خود بوده اند. این نسبت در سال ۱۳۸۵ حدود ۶۸ درصد بوده و در دوره ده سال گذشته کاهش یافته است. بالعکس سهم واحدهای مسکونی رهن / استیجاری از ۲۳ درصد در سال ۱۳۸۵ به حدود ۳۱ درصد در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است. به نظر می رسد در این ده سال قدرت خرید مسکن برای خانوارها پایین آمده است. یکی از دلایل این امر رشد بی سابقه قیمت مسکن در نیمه دوم دهه ۸۰ بوده است. از سوی دیگر به دلیل حجم بالای جمعیت جوان کشور در دهه گذشته، تعداد خانوارهای

معمولی کشور بیش از ۳۸ درصد افزایش یافته است. خانوارهایی که به تازگی شکل گرفته و دارای سرپرست جوان هستند، اغلب از قدرت خرید کمتری برخوردارند.

بدین دلیل سهم واحدهای مسکونی ملکی، کاهش و سهم واحدهای مسکونی رهن یا استیجاری افزایش یافته است. در سال ۱۳۹۵ در حالی که فقط ۵۴.۵ درصد از خانوارهای شهری، مالک واحد مسکونی خود بوده اند، ۷۹.۲ درصد خانوارهای روستایی مالکیت محل مسکونی خود را دارا بوده اند. بنابر این اجاره نشینی در شهرها بیشتر شایع است. واحدهای مسکونی از نظر نوع اسکلت (مجموعه متصل نگهدارنده بنا، پایه ها یا ستونها) به سه گروه تقسیم می شوند:

۱- اسکلت فلزی ۲- بتون آرمه ۳- سایر

در سال ۱۳۹۵ از ۲۲.۸ میلیون واحد مسکونی معمولی، ۷ میلیون اسکلت فلزی، ۶ میلیون بتون آرمه و ۹.۷ میلیون از مصالح دیگر ساخته شده اند. پس شاید بتوان گفت بیش از ۹ میلیون واحد مسکونی از ایمنی لازم برخوردار نیستند. علاوه براین، در سال ۱۳۹۵، ۳۹.۳ درصد واحدهای مسکونی معمولی، آپارتمانی و ۶۰.۷ درصد غیر آپارتمانی بوده اند.

جدول ۹- توزیع مساحت واحدهای مسکونی برحسب مساحت زیربنا

(درصد)

۱۳۹۰	۱۳۹۵	مساحت واحد مسکونی
۹.۹	۹.۷	کمتر یا برابر ۵۰ متر
۲۲.۶	۲۱.۷	۵۱-۷۵ متر
۱۰.۵	۹.۴	۷۶-۸۰ متر
۲۱.۶	۲۵.۲	۸۱-۱۰۰ متر
۲۳.۵	۲۳.۳	۱۰۱-۱۵۰ متر
۷.۴	۷	۱۵۱-۲۰۰ متر
۲.۸	۲.۸	۲۰۱-۳۰۰ متر
۰.۶	۰.۷	۳۰۱-۵۰۰ متر
۰.۱	۰.۱	بیش از ۵۰۰ متر
۱	۰	اظهارنشده

مأخذ: نتایج سرشماری های عمومی نفوس و مسکن ، مرکز آمار ایران

جدول ۹ نشان می دهد که سهم واحدهای مسکونی کوچک زیر ۸۰ مترمربع از ۴۳ درصد در سال ۱۳۹۰ به ۴۰.۸ درصد در سال ۱۳۹۵ کاهش یافته است. سهم واحدهای مسکونی بزرگتر از ۱۰۰ متر مربع نیز بین ۱۰ تا ۱۱ درصد، ثابت مانده است. ولی سهم واحدهای مسکونی با زیربنای متوسط ۱۰۰-۸۱ مترمربع، از ۲۱.۶ درصد در سال ۱۳۹۰، به ۲۵.۲ درصد در سال ۱۳۹۵ افزوده شده است.

جمع بندی

- براساس نتایج آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، جمعیت کشور از حدود ۷۵.۱۵ میلیون نفر در سال ۱۳۹۰ به ۷۹.۹۳ میلیون نفر در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است. متوسط نرخ رشد سالانه جمعیت در دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰ به ۱.۲۴ درصد رسیده است، که نسبت به دوره ۵ ساله قبلی (۱.۲۹ درصد) اندکی کاهش نشان می‌دهد.
- افزایش جمعیت بین دو سرشماری اخیر (۴.۸ میلیون نفر) با حجم رشد طبیعی جمعیت که از تفاضل موالید و مرگ و میرهای ثبت شده توسط سازمان ثبت احوال در این دوره ۵ سال به دست می‌آید (۵.۶ میلیون نفر)، همخوانی نداشته و حدود ۸۰۰ هزار نفر تفاوت دارد. به عبارت دیگر، افزایش جمعیت بین دو سرشماری، ۱۷ درصد کمتر از افزایش حجم جمعیت در آمار ثبتی دیده می‌شود. این امر می‌تواند از چند عامل ناشی شده باشد: کم ثبتی وقایع مرگ و میر (که انتظار نمی‌رود نسبت به سالهای قبل بیشتر شده باشد)، مهاجرت پر رنگ به خارج از کشور، کم شماری بیشتر در سرشماری ۱۳۹۵ نسبت به سرشماری ۱۳۹۰.
- بر اساس گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ مرکز آمار ایران، در این سرشماری عدم همکاری و خانوارهای غایب (زوج شاغل) افزایش یافته‌اند. بر این اساس به نظر می‌رسد، کم شماری در سرشماری ۱۳۹۵ بیشتر از سرشماری ۱۳۹۰ بوده و می‌توان انتظار داشت که جمعیت واقعی کشور و نرخ رشد آن در سال ۱۳۹۵ بیشتر از نتایج منتشر شده باشد.
- از زاویه ای دیگر می‌توان گفت که جمعیت ۴-۰ ساله در سال ۱۳۹۵ که از موالید دوره ۹۵-۱۳۹۰ منتج شده، ۱۴ درصد نسبت به جمعیت ۹-۵ ساله همان سال، که از موالید دوره ۹۰-۱۳۸۵ تشکیل شده‌اند، بیشتر است. در حالی که براساس آمار سازمان ثبت احوال، تعداد مرگ و میرها در ده سال گذشته تقریباً تثبیت شده است. پس نرخ رشد طبیعی جمعیت که از موالید و مرگ و میر ناشی می‌شود، در دوره ۹۵-۱۳۹۰ نسبت به ۹۰-۱۳۸۵ افزایش یافته است. بنابر این، نتایج سرشماری‌ها که خلاف این را نشان می‌دهد، اگر از تفاوت پوشش سرشماری‌های ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ ریشه نگرفته باشد، نشانگر افزایش مهاجرت به خارج از کشور در ۵ سال گذشته است که باید مورد توجه قرار گیرد.
- چند تغییر مهم در هرم سنی جمعیت کشور در فاصله ۵ ساله ۹۵-۱۳۹۰ دیده می‌شود:
 ۱. پهن تر شدن پایه هرم جمعیت یا اضافه شدن بیش از ۱.۶ میلیون نفر به جمعیت زیر ۱۰ سال در سال ۱۳۹۵ نسبت به سال ۱۳۹۰
 ۲. کاهش ۳.۶ میلیون نفری جمعیت جوانان ۲۹-۱۵ ساله
 ۳. افزایش جمعیت در همه گروه‌های سنی ۳۰ سال به بالا

- در خصوص سازگاری نتایج سرشماری ۱۳۹۵ با سرشماری ۱۳۹۰ و آمارهای ثبتی، می توان نسبت به کم شماری جمعیت ۰-۴ ساله و ۹-۵ ساله، و کم شماری یا مهاجرت پر رنگ جوانان ۲۹-۱۵ ساله در سرشماری ۱۳۹۵ و بیش شماری جمعیت ۳۹-۳۵ ساله در سرشماری ۱۳۹۵ یا کم شماری جمعیت ۳۴-۳۰ ساله در ۱۳۹۰، گمانه زنی نمود.
- نرخ رشد سالانه جمعیت استانها در دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰ از ۰.۲۳- درصد در استان همدان تا ۳.۰۲ درصد در استان خراسان جنوبی متفاوت است.
- با بالاتر بودن رشد تعداد خانوارها از رشد جمعیت در دوره ۹۵-۱۳۹۰ شاهد کاهش بعد خانوار از ۳.۵ نفر در سال ۱۳۹۰ به ۳.۳ نفر در سال ۱۳۹۵ هستیم. بعد خانوار شهری ۳.۳ نفر و بعد خانوار روستایی ۳.۴ نفر برآورد شده که بسیار به هم نزدیک است. فاصله بعد خانوار در استانهای کشور نیز چندان زیاد نیست و از ۳ نفر در استان های گیلان و مازندران تا ۳.۹ نفر در استان سیستان و بلوچستان تغییر می کند.
- در سال ۱۳۹۵، از ۲۴.۱ میلیون خانوار معمولی، ۳.۰۶ میلیون خانوار زن سرپرست بوده اند. همچنین حدود ۱.۷ میلیون نفر از این زنان علاوه بر خود، سرپرستی کسان دیگری را نیز عهده دار بوده اند و حدود ۱.۶ میلیون نفر از آنان کمتر از ۶۰ سال سن داشته اند.
- در دوره ۵ ساله ۱۳۹۵-۱۳۹۰، تعداد خانوارهای زن سرپرست بیش از ۲۰ درصد افزایش یافت و سهم آنان از کل خانوارهای کشور نیز از ۱۲.۱ درصد به ۱۲.۷ درصد رسید. رشد خانوارهای زن سرپرست در این دوره نسبت به دوره ۵ ساله قبلی کاهش یافته است. ولی همچنان تعداد و سهم خانوارهای زن سرپرست رو به افزایش است.
- براساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، جمعیت شهرنشین کشور، ۵۹.۱۵ میلیون نفر و جمعیت روستانشین و غیرساکن ۲۰.۷۸ میلیون نفر بوده است. در امتداد افزایش میزان شهرنشینی در دهه های گذشته، تعداد جمعیت شهرنشین کشور طی دوره ۵ ساله ۱۳۹۵-۱۳۹۰، ۵.۵۵ میلیون نفر افزایش یافته و ضریب شهرنشینی نیز از ۷۱.۴ درصد به ۷۴ درصد رسیده است. ضمن این که، متوسط نرخ رشد سالانه جمعیت شهرنشین در این دوره ۱.۹۷ درصد بوده است. در حالی که نرخ رشد جمعیت روستانشین و غیرساکن ۰.۷۳- درصد بوده و در این دوره ۵ ساله بیش از ۷۰۰ هزار نفر از جمعیت آنها کاسته شده است. تعداد شهرهای کشور نیز در این دوره ۵ ساله از ۱۱۳۹ به ۱۲۴۵ شهر افزایش یافته است. تبدیل به شهر شدن روستاها و یا ملحق شدن مناطق روستایی به شهرها یکی از دلایل مهم افزایش ضریب شهرنشینی کشور است. گفتنی است، براساس نتایج سرشماری، مهاجرت نقشی در افزایش جمعیت شهرنشین کشور نداشته است.
- سهم نسبی جمعیت در تمامی گروه های سنی زیر ۲۵ سال در مناطق روستایی بالاتر از مناطق شهری است. به گونه ای که ۴۲.۹ درصد جمعیت مناطق روستایی و ۳۷.۴ درصد جمعیت مناطق شهری در سنین زیر ۲۵ سال قرار

دارند. این امر نشانگر بالاتر بودن نرخ باروری در مناطق روستایی نسبت به مناطق شهری طی ۲۵ سال گذشته است.

- سهم نسبی جمعیت در تمامی گروه های سنی ۲۵ تا ۶۴ ساله (بخصوص ۵۴-۳۰ ساله) در مناطق شهری بالاتر از مناطق روستایی است. به گونه ای که ۵۶.۷ درصد جمعیت شهری و ۵۰.۳ درصد جمعیت روستایی در سنین ۶۴-۲۵ سالگی، یا سنین اوج فعالیت اقتصادی، قرار دارند. این موضوع به دلیل مهاجرت جوانان روستایی به شهرها در چند دهه گذشته رخ داده است.

- سهم جمعیت ۶۵ ساله به بالا، در نقاط شهری ۵.۸ درصد و در نقاط روستایی ۶.۸ درصد بوده است.

- در مجموع می توان گفت سهم جمعیت روستایی در گروه های سنی پایین (کودکان و نوجوانان) و گروه های سنی بالا (سالخوردگان) بیشتر از مناطق شهری است و بالعکس سهم جمعیت جوان و میانسال واقع در سن فعالیت در مناطق شهری، بالاتر از مناطق روستایی است. این امر باعث سالخوردگی جمعیت فعال و نیروی کار شاغل در بخش کشاورزی و روستایی شده است.

- با محاسبه نسبت وابستگی (نسبت جمعیت زیر ۱۵ سال و بالای ۶۵ سال به جمعیت ۶۴-۱۵ ساله) در سال ۱۳۹۵ به تفکیک شهر و روستا مشاهده می گردد که نسبت وابستگی در شهرها ۴۰.۵ درصد و در روستاها ۵۰.۸ درصد بوده است. با فراتر رفتن نسبت وابستگی از ۵۰ درصد در روستاها، فرصت پنجره جمعیتی در روستاها به پایان رسیده است. با توجه به آنکه تفاوت سهم جمعیت بالای ۶۵ سال در شهر و روستا تنها یک درصد است، و این تفاوت برای جمعیت زیر ۱۵ سال بین شهر و روستا ۴ درصد است، بنابراین بالا بودن و افزایش مولید و نرخ باروری در روستاها در سالهای اخیر عامل مهمی در افزایش نسبت وابستگی در روستاها و به پایان رسیدن فرصت پنجره جمعیتی در مناطق روستایی بوده است.

- با بررسی وضع زناشویی مشاهده می گردد که میزان مجرد مردان در همه گروه های سنی ۳۹-۲۰ ساله در دوره ۹۵-۱۳۵۵ افزایش یافته است. ولی تنها ۹ درصد مردان در سنین ۳۹-۳۵ سالگی هنوز ازدواج نکرده اند. میزان مجرد زنان نیز در تمامی گروه های سنی ۳۹-۲۰ ساله در دوره ۸۵-۱۳۵۵، روند افزایشی داشته است. زنان متولد سالهای ۵۵-۱۳۳۵ که نرخ رشد جمعیت و مولید سالانه روند افزایشی داشته با پدیده مضیقۀ ازدواج روبه رو شده اند. بدین دلیل افزایش میزان مجرد این زنان بیش از مردان مشابه بوده است. به دلیل مهاجرت مردان جوان روستایی به شهرها، مضیقۀ ازدواج برای زنان روستایی بیشتر بوده و میزان مجرد زنان روستایی ۳۹-۳۵ ساله نزدیک به دو برابر مردان روستایی در این گروه سنی شده است. در سال ۱۳۹۵ حدود ۱۰.۵ درصد زنان ۳۹-۳۵ ساله، ازدواج نکرده بوده اند. این روند نشانگر ادامه روند افزایشی مجرد قطعی، در سالهای آینده است.

- مضيقه ازدواج (عدم تعادل جنسیتی در جمعیت واقع در سن ازدواج) از سال ۱۳۹۰ به بعد به صورت کم‌رنگ و به تدریج برای پسران جوان شروع به شکل گرفتن کرده است. جمعیت زنان ۳۰ ساله به بالا در مقطع ۱۳۹۵ نیز همچنان در آینده با این پدیده روبرو خواهند بود. تنها راه پیشگیری از این امر نیز فرهنگ سازی در خصوص کاهش اختلاف سنی زوجین است. تا بدین طریق عدم تعادل جنسیتی در جمعیت افراد واقع در سن ازدواج برطرف شود.
- با تغییر جهت مضيقه ازدواج از زنان به مردان، همراه با واکنش مردم نسبت به افزایش مجرد در زنان، شاهد کاهش میزان مجرد در زنان ۲۴-۲۰ ساله در سال ۱۳۹۰ و کاهش میزان مجرد زنان ۲۹-۲۰ ساله در سال ۱۳۹۵ هستیم. انتظار می‌رود در سرشماری های بعدی، کاهش نرخ مجرد زنان در گروه‌های سنی بالاتر نیز دیده شود.
- در دوره ۸۵ - ۱۳۶۵ شاهد رشد مداوم میانگین سن در اولین ازدواج در بین زنان و مردان در مناطق شهری و روستایی هستیم. در این میان رشد سن ازدواج زنان به دلیل وجود مضيقه ازدواج، بیشتر از مردان بوده و منجر به کاهش اختلاف سنی زوجین در این سالها شده است. سن ازدواج مردان تا سال ۱۳۹۵ صعودی بوده و در این سال به ۲۷.۴ سال رسیده است. ولی سن ازدواج زنان که تا سال ۱۳۸۵ روند افزایشی داشته، به دلیل رفع مضيقه ازدواج برای زنان جوان، در سالهای ۹۰-۱۳۸۵ تقریباً تثبیت شده و در دوره ۹۵-۱۳۹۰ روند نزولی گرفته و از ۲۳.۴ به ۲۳ سال کاهش یافته است. کاهش سن ازدواج زنان در کنار افزایش سن ازدواج مردان موجب افزایش تفاوت سنی زوجین از ۲.۹ سال در سال ۱۳۸۵ به ۴.۴ سال در سال ۱۳۹۵ شده است.
- مجرد قطعی میانگین میزان مجرد در دو گروه سنی ۴۹-۴۵ ساله و ۵۴-۵۰ ساله است. میزان مجرد قطعی از سال ۱۳۷۵ برای زنان و مردان در شهر و روستا، روند صعودی گرفته و تا سال ۱۳۹۵ برای زنان حدود ۳ برابر و برای مردان حدود ۲ برابر شده است. در سال ۱۳۹۵ زنان روستایی با ۳.۹ درصد بالاترین میزان مجرد قطعی را داشته اند و پس از آن زنان شهری با ۳.۷ درصد مجرد قطعی قرار دارند. میزان مجرد قطعی مردان در سال ۱۳۹۵ برابر ۲.۳ درصد بوده است.
- در حالی که تعداد مردان و زنان دارای همسر در دوره ۲۰ ساله ۹۵-۱۳۷۵، ۱.۸ برابر شده است، بر اثر رشد میزان طلاق در کشور، تعداد مردان و زنان بدون همسر بر اثر طلاق حدود ۷ برابر شده است. به دلیل بالاتر بودن احتمال ازدواج مجدد مردان نسبت به زنان، پس از فوت یا جدایی از همسر، در برابر هر مرد مطلقه حدود ۲ زن مطلقه، و در برابر هر مرد بیوه بیش از ۷ زن بیوه در سطح کشور وجود دارد.
- در سال ۱۳۹۵ نرخ باسوادی در کل جمعیت کشور ۸۷.۶ درصد، برای مردان ۹۱ درصد و برای زنان ۸۴.۲ درصد بوده است. نرخ باسوادی در جمعیت شهری ۸۹.۸ درصد، مردان شهری ۹۳.۵ درصد و زنان شهری ۸۸ درصد بوده است. نرخ باسوادی در جمعیت روستایی ۷۸.۵ درصد، مردان روستایی ۸۳.۹ درصد و زنان روستایی ۷۲.۹ درصد بوده است.

شکاف نرخ باسوادی بین زنان و مردان در سال ۱۳۹۵ برابر ۶.۸ درصد، و بین مناطق شهری و روستایی برابر ۱۱.۳ درصد بوده است. در دوره ۱۰ ساله ۹۵-۱۳۸۵ نرخ باسوادی با ۲.۸ درصد افزایش از ۸۴.۸ درصد به ۸۷.۶ درصد رسیده است. شکاف نرخ باسوادی بین زنان و مردان در این دوره ۱۰ ساله ۱.۶ درصد و شکاف نرخ باسوادی بین شهرنشینان و روستاییان نیز ۲.۵ درصد کاهش یافته است.

- نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵ نشان می‌دهد که در دوره ۵ ساله ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵، ۴ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر محل اقامت خود را در داخل کشور تغییر داده‌اند یا به کشور وارد شده‌اند. در این دوره سهم مهاجران از کل جمعیت کشور ۵.۳۸ درصد بوده است. تعداد کل مهاجران در دوره ۹۰-۱۳۸۵، ۵ میلیون و ۵۳۵ هزار نفر و سهم آنان از کل جمعیت کشور ۷.۳۶ درصد بوده است. در دوره اخیر بیش از یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر از کل تعداد مهاجران کاسته شده و سهم آنان از کل جمعیت نیز ۲ درصد کاهش یافته است.

- بر اساس نتایج سرشماری ۱۳۹۵، خالص مهاجرت روستاییان به شهرها که از تفاضل مهاجران روستا به شهر و شهر به روستا به دست می‌آید، ۱۰۱- هزار نفر بوده است. این آمار نشان می‌دهد که برخلاف دهه های پیشین، از سال ۱۳۸۵ به بعد خالص مهاجرت از روستا به شهر منفی شده و شهری ها بیشتر به روستاها مهاجرت کرده اند تا بالعکس آن. بنابر این مهاجرت نقشی در افزایش جمعیت شهرنشین نداشته است.

- حجم مهاجران در سنین ۲۰-۳۴ سالگی در بین زنان و مردان در بالاترین میزان قرار دارد و ۱/۹ میلیون نفر از مهاجران در این سنین قرار داشته‌اند.

- در دوره ۹۵-۱۳۹۰، استان تهران با خالص مهاجرت ۲۱۶ هزار نفر، مهاجرپذیرترین استان کشور بوده است. پس از استان تهران، استان البرز با خالص مهاجرت ۱۰۱ هزار نفر بیشترین مهاجرپذیری را در کشور داشته است. پس از این دو استان به ترتیب استان‌های یزد، اصفهان، سمنان، قم، هرمزگان، بوشهر، گیلان، خراسان رضوی و مازندران استانهای مهاجرپذیر کشور بوده اند و بقیه استانها همگی مهاجرفرست بوده اند. استان‌های آذربایجان شرقی، خوزستان، چهارمحال بختیاری و لرستان با ۱۴۵-، ۷۹-، ۷۶- و ۶۵- هزار نفر خالص مهاجرت، بیشترین مهاجرفرستی را داشته‌اند.

- در دوره ۹۵-۱۳۹۰، به ترتیب استانهای سمنان، البرز، یزد، قم، تهران، بوشهر و هرمزگان بیشترین نسبت خالص مهاجرپذیری (نسبت خالص مهاجرت به جمعیت استان) را دارا بوده اند. در این دوره استان چهارمحال و بختیاری با بیش از ۸- درصد بیشترین نسبت خالص مهاجرفرستی را دارا بوده است. پس از آن استانهای آذربایجان شرقی، لرستان، ایلام، خراسان شمالی، همدان و کرمانشاه بیشترین نسبت خالص مهاجرفرستی را دارا بوده اند.

- نتایج سرشماری ۱۳۹۵ نشان می دهد که استانهای توسعه یافته مرکزی شامل تهران، البرز، سمنان، یزد، قم و اصفهان، دو استان جنوبی بوشهر و هرمزگان و دو استان شمالی گیلان و مازندران، و خراسان رضوی در کل دوره دهساله ۹۵-۱۳۸۵، مهاجرپذیر بوده اند. برعکس، استانهای غربی کشور مثل چهارمحال و بختیاری، آذربایجان شرقی (در ۹۰-۸۵ اندکی مهاجرپذیر)، لرستان، همدان، کرمانشاه، اردبیل، کردستان، ایلام، کهگیلویه و بویراحمد و استان های جنوبی خوزستان و سیستان و بلوچستان مهاجرفرست بوده و در دوره ۹۵-۱۳۹۰، مهاجرفرستی این استانها نسبت به دوره قبلی یا سالهای ۹۰-۱۳۸۵، افزایش یافته است.
- در دوره ده ساله ۹۵-۱۳۸۵، سهم واحدهای مسکونی ملکی، کاهش و سهم واحدهای مسکونی رهنی یا استیجاری افزایش یافته است. به نظر می رسد در این ۱۰ سال قدرت خرید مسکن برای خانوارها پایین آمده است. یکی از دلایل این امر رشد بی سابقه قیمت مسکن در نیمه دوم دهه ۸۰ بوده است. از سوی دیگر به دلیل حجم بالای جمعیت جوان کشور در دهه گذشته، تعداد خانوارهای معمولی کشور بیش از ۳۸ درصد افزایش یافته است. خانوارهایی که به تازگی شکل گرفته و دارای سرپرست جوان هستند و اغلب از قدرت خرید کمتری برخوردارند.
- سهم واحدهای مسکونی کوچک زیر ۸۰ مترمربع از ۴۳ درصد در سال ۱۳۹۰ به ۴۰.۸ درصد در سال ۱۳۹۵ کاهش یافته است. سهم واحدهای مسکونی بزرگتر از ۱۰۰ متر مربع نیز بین ۱۰ تا ۱۱ درصد، ثابت مانده است. ولی سهم واحدهای مسکونی با زیربنای متوسط ۱۰۰-۸۱ مترمربع، از ۲۱.۶ درصد در سال ۱۳۹۰، به ۲۵.۲ درصد در سال ۱۳۹۵ افزوده شده است.

فهرست منابع

- سازمان ثبت احوال کشور. آمار رویدادهای حیاتی، سالهای ۹۵-۱۳۳۸.
- مرکز آمار ایران. گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵.
- مرکز آمار ایران. نتایج تفصیلی سرشماری های عمومی نفوس و مسکن سالهای ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۰، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵.
- نوروزی، لادن (۱۳۹۵). بررسی تحلیلی روند تحولات طلاق در کشور، عوامل و پیامدها، امور اقتصاد کلان، سازمان برنامه و بودجه.
- نوروزی، لادن (۱۳۹۴). بررسی تحلیلی تغییرات سن ازدواج در کشور، امور اقتصاد کلان، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.
- نوروزی، لادن (۱۳۹۲). تحلیل نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، بخش اول و دوم، امور برنامه ریزی اقتصاد کلان و ارزیابی برنامه، معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی.